



چشم‌انداز
جهانی بازار کار
در سال ۲۰۲۳

بهمن ۱۴۰۱

مریم خزاعی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
معاونت بررسی‌های اقتصادی



در این گزارش با نگاهی به تحولات و اتفاقات سال‌های اخیر و تاثیرات آن‌ها بر بازار کار جهانی به همراه بررسی روند متغیرها و وضعیت شاخص‌های مهم از جمله رشد اشتغال، نسبت اشتغال، نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی بر حسب مناطق جغرافیایی و یا اقتصادی گوناگون، چشم‌اندازی برای این بازار طی دو سال آینده (۲۰۲۳-۲۴) بر اساس اطلاعات سازمان بین‌المللی کار، ارائه و به نکات مهم آن پرداخته شده است.

همچنین تلاش شده است در صورت امکان داده‌های متناظر برای بازار کار ایران نیز استفاده و در قیاس با جهان و یا سایر مناطق، قرار گیرند.

بحران‌ها و بازار کار

طی سال ۲۰۲۲، چشم انداز جهانی بازار کار به طور قابل توجهی تضعیف شد. بروز تنش‌های ژئوپلیتیک، تهاجم روسیه به اوکراین، بهبود نابرابر اقتصادها از بحران همه‌گیری کووید و تنگناهای مداوم در زنجیره‌های تامین، شرایط را برای بروز مجدد دوره رکود تورمی (هم‌زمانی بروز تورم بالا و رشد پایین) و تکرار مجدد آن بعد از دهه ۱۹۷۰ را موجب شده‌اند. سیاست‌گذاران در مواجهه با تورم بالا در محیطی همراه با بهبود ناقص اشتغال، با یک بده-بستان چالش برانگیز روبرو هستند. اکثر کشورها هنوز به سطح اشتغال و ساعات کاری که در پایان سال ۲۰۱۹، قبل از شیوع بحران سلامت کووید-۱۹ مشاهده شده بود، بازنگشته‌اند. با این حال، مجموعه‌ای از شوک‌های عرضه، عمدتاً در بازارهای مواد غذایی و کالاهای اساسی، قیمت‌های تولیدکننده را افزایش داده و باعث افزایش تورم قیمت مصرف‌کننده نیز شده است که در نهایت بانک‌های مرکزی را بالاجبار به سمت سیاست انقباضی پولی سوق داده است. در غیاب افزایش متناظر درآمد شاغلان با تورم، بحران هزینه زندگی مستقیماً معیشت خانوارها را تهدید می‌کند که خطر کاهش تقاضای کل را نیز به دنبال دارد. انباشت بدهی بسیاری از کشورها نیز به دلیل مقابله با پیامدهای ناشی از همه‌گیری، افزایش یافته که تهدیدی برای بروز بحران بزرگ بدهی در جهان است.

در این شرایط چالش برانگیز، همچنان یافتن شغل مناسب در جهان با مشکل مواجه است که این موضوع باعث تضعیف عدالت اجتماعی نیز می‌شود. صدها میلیون نفر به شغل همراه با حقوق مکفی دسترسی ندارند. کسانی که شاغل هستند نیز اغلب مشمول حمایت‌های اجتماعی و حقوق اساسی کار نمی‌شوند. همچنین بخش قابل توجهی از نیروی کار غیررسمی هستند یا از حقوق مشابه سایر شاغلان رسمی در محل کار برخوردار نیستند. درآمدها به شدت نابرابر توزیع می‌شود، به طوری که بسیاری از نیروهای کار قادر به خروج خود از فقر نیستند. چشم‌انداز بازار کار نه تنها در سراسر جهان بلکه در داخل کشورها نیز بسیار نابرابر است. شکاف‌های جنسیتی در همه زمینه‌های دنیای کار وجود دارد و جوانان نیز با چالش‌های خاصی روبرو هستند.



استمرار بحران‌ها

بحران‌های متعددی مانع رشد اشتغال می‌شوند، استمرار تأثیر کووید-۱۹، بحران‌های افزایش هزینه زندگی و تنش‌های ژئوپلیتیک به شدت بر چشم‌انداز بازار کار تأثیر می‌گذارند. شوک‌های عرضه و تقاضا باعث افزایش قیمت‌ها شده و منجر به بروز بالاترین نرخ تورم طی دهه‌های اخیر شده است. درگیری اوکراین و سایر درگیری‌های ژئوپلیتیکی، کمبود عرضه را تشدید کرده و عدم اطمینان را نیز افزایش داده است. بحران رشد هزینه‌های زندگی، قدرت خرید درآمد قابل تصرف خانوار را از بین می‌برد و تقاضای کل را کاهش می‌دهد. تشدید سیاست پولی انقباضی، شرایط تامین مالی را نه تنها در اقتصادهای پیشرفته بلکه از طریق سرریزها، اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه را نیز تحت فشار قرار داده است. در غیاب وجود هماهنگی مناسب میان سیاست‌های پولی و مالی، این خطر وجود دارد که اقتصادهای مسلط برنامه‌ای سیاستی را دنبال کنند که عمدتاً فقط به چالش‌های داخلی خودشان و بدون توجه به پتانسیل‌های بالقوه آثار آن بر سایر کشورهای جهان، پاسخ دهد.

فراتر از این چالش‌های کوتاه‌مدت، تغییرات ساختاری بلندمدت و فزاینده‌ای نیز در بازارهای کار جهان احساس می‌شود. به عنوان مثال، تغییرات اقلیمی به افزایش وقوع بلایای طبیعی و رویدادهای شدید آب و هوایی غیر قابل پیش‌بینی، از جمله سیل، خشکسالی، تخریب زمین، فرسایش خاک، موج گرما و بارندگی نیز کمک می‌کند. انطباق با این واقعیت‌های جدید، مستلزم اعمال ابتکارات بزرگ سازگاری، از جمله انجام سرمایه‌گذاری قابل توجه در حوزه زیرساخت در مناطق بسیار آسیب‌دیده است. با این حال، این اقدامات، فرصت‌هایی را نیز می‌تواند برای ایجاد اشتغال، به ویژه در برخی از فقیرترین مناطق جهان از جمله افریقا فراهم کند.

در همین شرایط، پیری جمعیت نیز تقریباً در همه کشورهای پیشرفته و بسیاری از کشورهای در حال ظهور، سرعت گرفته و باعث کاهش عرضه نیروی کار شده که بعید است این مسئله از طریق نیروهای کار مهاجر از مبادی پویاتر از نظر جمعیتی، جبران شود. در عین حال، انتظارات خوش‌بینانه مربوط به پتانسیل حاصل از تغییرات تکنولوژیکی برای افزایش رشد بهره‌وری و رفع سختی کار، مخصوصاً در رابطه با ابزارهای دیجیتال جدید مانند هوش مصنوعی نیز، هنوز محقق نشده است. با این حال، هیچ تردیدی در ضرورت و نیاز به چنین نوآوری‌هایی برای رفع برخی کمبودهای آتی نیروی کار ناشی از تغییرات جمعیتی، وجود ندارد.



محیطی با عدم قطعیت بالا و مستمر در سطح جهانی پدیدار شده که سرمایه‌گذاری‌های کسب و کارها، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط و دستمزدهای واقعی را کاهش داده و نیروی کار را به سمت مشاغل غیررسمی هدایت کرده است. پیشرفت‌هایی که طی دهه گذشته در زمینه کاهش فقر به دست آمده نیز تا حد زیادی متزلزل شده است. روند همگرایی در استانداردهای زندگی با کیفیت کار در سراسر جهان متوقف شده ضمن اینکه کاهش رشد بهره‌وری را دنبال داشته و غلبه بر مسئله یافتن شغل مناسب را نیز دشوارتر کرده است.

شکاف جهانی مشاغل در سال ۲۰۲۲ به ۴۷۳ میلیون نفر رسید که معادل نرخ شکاف شغلی ۱۲.۳ درصد است. شکاف جهانی شغل، معیار جدیدی از میزان نیاز برآورده نشده به اشتغال در جهان است که از مجموع ۲۰۵ میلیون نفر بیکار - معادل نرخ بیکاری ۵.۸ درصد - و ۲۶۸ میلیون نفر خارج از بازار کار تشکیل می‌شود. گروه اخیر اگرچه فاقد معیارهای بیکاری هستند و جزو بیکاران محسوب نمی‌شوند ولی به دلیل اینکه نیازهای آنها برای اشتغال برآورده نمی‌شود، از جمعیت فعال در جستجوی کار خارج شده‌اند.

این شکاف شغلی به ویژه برای زنان و برای اقتصادهای در حال توسعه زیاد است. اگرچه در اکثر مناطق جهان مردان و زنان تقریباً نرخ بیکاری مشابهی دارند ولی شکاف شغلی برای زنان ۱۵ درصد است، در حالی که این رقم برای مردان ۱۰.۵ درصد می‌باشد. مسئولیت‌های شخصی و خانوادگی (از جمله کار بدون مزد برای مراقبت)، دلسردی ناشی از فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، و کمبود امکانات برای بازآموزی می‌تواند موجب شود تا بسیاری از افراد از جستجوی شغل منصرف شوند و یا در کوتاه مدت دسترسی آنها به کار محدود گردد. گروه کشورهای با درآمد پایین و با درآمد متوسط-پایین، نرخ شکاف شغلی بالا و بین ۱۳ تا ۲۰ درصد دارند در حالی که شکاف مزبور برای کشورهای با درآمد متوسط-بالا، حدود ۱۱ درصد و برای کشورهای پردرآمد، فقط ۸ درصد است.

نابرابری بزرگ



در سال ۲۰۲۲، حدود ۲ میلیارد نفر دارای شغل غیررسمی بودند. اگرچه بروز اشتغال غیررسمی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ به میزان ۵ درصد کاهش یافت ولی بهبود اشتغال در دوران بروز بحران سلامت کووید-۱۹ عمدتاً ناشی از اشتغال غیررسمی و افزایش اشتغال در این حوزه بود. مشاغل غیررسمی فاقد بسیاری از ویژگی‌های روابط رسمی شغلی که برای پیشبرد عدالت اجتماعی مهم است، می‌باشند. به عنوان مثال، شاغلان غیررسمی نسبت به هم‌تایان رسمی خود دسترسی بسیار کمتری به سیستم‌های حمایت اجتماعی دارند. به طور کلی، تنها ۴۷ درصد از مردم سراسر جهان به طور موثر تحت پوشش حداقل یک نوع بیمه یا حمایت اجتماعی هستند و به عبارتی دیگر بیش از ۴ میلیارد نفر از مردم جهان فاقد هرگونه حمایت اجتماعی می‌باشند.

حدود ۲۱۴ میلیون نفر شاغل یعنی حدود ۶.۴ درصد از کل شاغلان جهان، در فقر شدید (با درآمد کمتر از ۱.۹۰ دلار آمریکا در روز بر اساس برابری قدرت خرید) به سر می‌برند که این موضوع برای کشورهای کم درآمد شدیدتر و رو به افزایش است. کاهش معنادار تعداد افراد فقیر شاغل بدون نیل به پیشرفت قابل توجه در دستیابی به هدف توسعه پایدار (SDG۱؛ ریشه‌کنی فقر در همه اشکال آن) - غیرممکن خواهد بود. از آنجایی که درآمد اسمی نیروی کار نمی‌تواند با تورم هماهنگی داشته باشد، بحران هزینه زندگی باعث می‌شود افراد بیشتری در فقر مطلق یا نسبی (خط فقر ملی) قرار گیرند. این خطر به ویژه برای افرادی که در پایین‌ترین سطح شغلی قرار دارند نیز رو به افزایش است. توزیع درآمد در بازار کار بسیار نابرابر است به نحوی که؛ نیمی از شاغلان در سطح جهان تنها حدود ۸ درصد از کل درآمد شاغلان را کسب می‌کنند.

وضعیت زنان و جوانان در بازار کار به طور قابل توجهی بدتر است که این واقعیت نشان‌دهنده وجود نابرابری‌های بزرگ در بازار کار در بسیاری از کشورها است. در سطح جهانی، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در سال ۲۰۲۲ به ۴۷.۴ درصد رسید، در حالی که این میزان برای مردان ۷۲.۳ درصد بود. شکاف ۲۴.۹ واحد درصدی میان نرخ مشارکت زنان و مردان به این معناست که به ازای هر مرد غیرفعال اقتصادی، دو زن غیرفعال وجود دارد. گروه جوانان (۱۵ تا ۲۴ ساله) در تأمین شغل مناسب با مشکلات شدیدی روبرو هستند. نرخ بیکاری آنها سه برابر بزرگسالان (۲۵ سال یا بیشتر) است. به طور میانگین بیش از یک نفر از هر پنج نفر از جوانان در جهان - معادل ۲۳.۵ درصد - نه در حال تحصیل، نه در حال آموزش و نه شاغل (Not in Education, Employment, or Training-NEET) هستند.

مشارکت اقتصادی

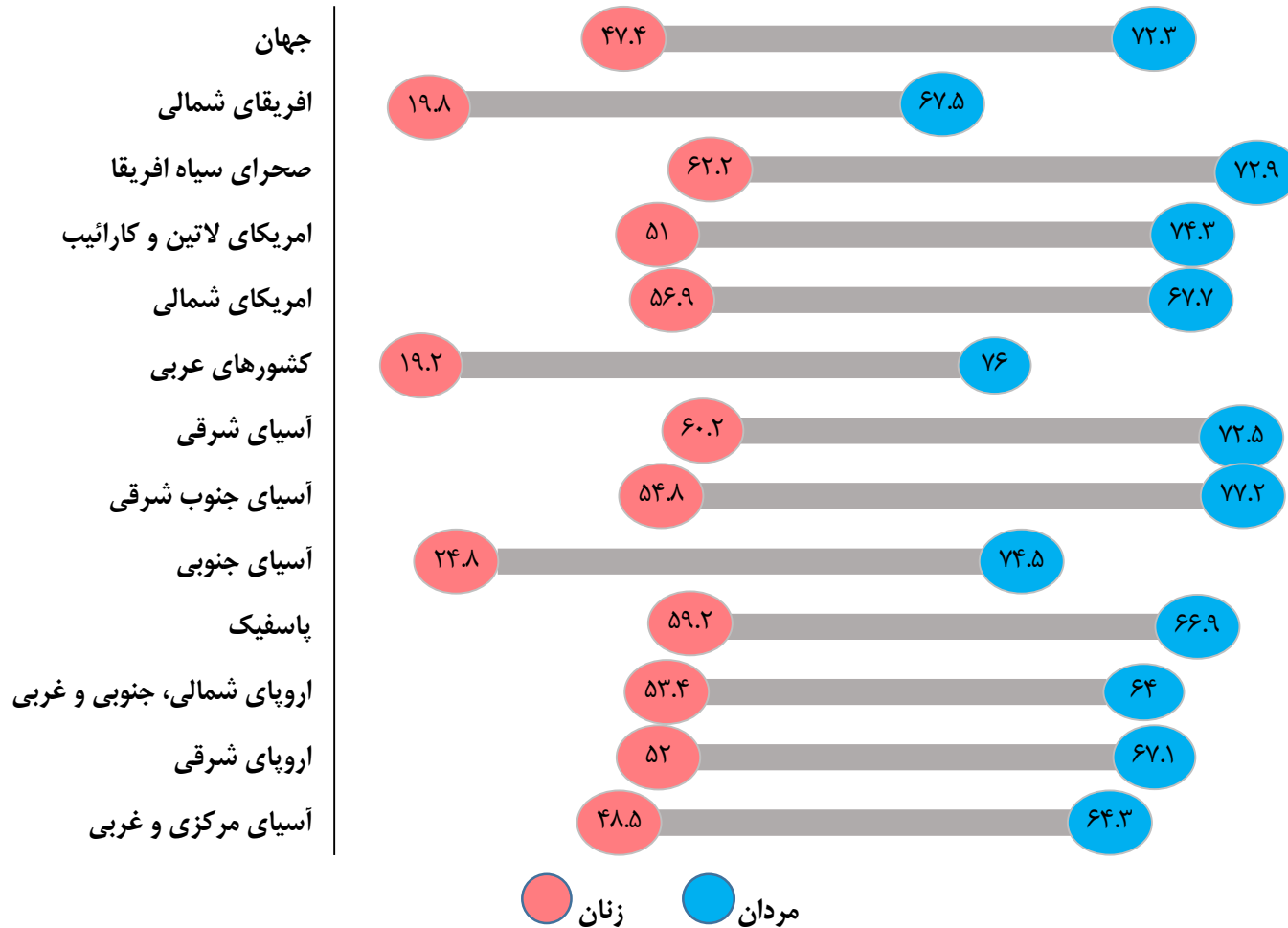
متوسط نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار در جهان در سال ۲۰۲۲ برای زنان ۴۷.۴ درصد و برای مردان ۷۲.۳ درصد است. نرخ مشارکت مردان در جهان تقریباً ۱.۵ برابر رقم مشابه برای زنان است. بالاترین نرخ مشارکت مردان در این سال متعلق به گروه اقتصادهای منطقه آسیای جنوب شرقی با رقم ۷۷.۲ درصد است که پس از آن منطقه امریکای لاتین و کارائیب با رقم ۷۴.۳ درصد قرار دارد و هر دو منطقه نرخ مشارکت اقتصادی بالاتر از میانگین جهانی در سال ۲۰۲۲ دارند.

بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی برای زنان با رقم ۶۲.۲ درصد متعلق به منطقه صحرای سیاه آفریقا و پس از آن منطقه آسیای شرقی با رقم ۶۰.۲ درصد قرار دارد.

کمترین نرخ مشارکت اقتصادی برای زنان مربوط به کشورهای عربی و برابر با ۱۹.۲ درصد و بعد آن منطقه آفریقای شمالی با ۱۹.۸ درصد است. بالاترین شکاف میان نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان در جهان مربوط به کشورهای عربی با تفاوت ۵۶.۸ واحد درصدی است.

در سال ۱۴۰۰ نرخ مشارکت اقتصادی در ایران برای زنان رقم بسیار کم ۱۳.۳ درصد و برای مردان حدود ۶۸.۷ درصد بوده که به معنی شکاف ۵۵.۴ واحد درصدی است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران حتی از نرخ ۱۹.۲ درصدی کشورهای عربی نیز کمتر است.

نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار در مناطق جهان به تفکیک جنسیت در سال ۲۰۲۲ - درصد



جوانان منفعل NEET

سهم جوانان در گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله جهان در سال ۲۰۲۲ که نه شاغل، نه در حال تحصیل و نه در حال آموزش هستند - درصد

مردان	کل	زنان	
۱۵.۴	۲۳.۵	۳۲.۱	جهان
۱۷.۳	۲۸	۳۹	افریقای شمالی
۲۰.۱	۲۵.۷	۳۱.۴	صحرای سیاه افریقا
۱۳.۹	۲۰.۳	۲۶.۹	امریکای لاتین و کارائیب
۱۱	۱۱.۳	۱۱.۶	امریکای شمالی
۱۹.۵	۳۲.۹	۴۷.۲	کشورهای عربی
۱۳	۱۵.۶	۱۸.۵	آسیای شرقی
۱۴.۹	۱۸.۳	۲۱.۸	آسیای جنوب شرقی
۱۵.۳	۳۱.۷	۴۹.۵	آسیای جنوبی
۱۶	۱۷.۴	۱۹	پاسفیک
۹.۹	۹.۸	۹.۷	اروپای شمالی، جنوبی و غربی
۱۰.۵	۱۲.۴	۱۴.۳	اروپای شرقی
۱۶.۸	۲۲	۲۷.۵	آسیای مرکزی و غربی

رشد عرضه جهانی نیروی کار احتمالاً به کاهش خود ادامه خواهد داد، که به نوبه خود به کمبود قابل توجه نیروی کار در کشورهای پیشرفته دامن خواهد زد. بخشی از این کاهش قابل انتظار است، زیرا در طول دهه گذشته، هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای در حال ظهور، سطوح درآمدی فزاینده‌ای را تجربه کردند که اگرچه به بسیاری از شهروندان جوان اجازه داد تا زمان تحصیل خود را افزایش دهند اما با این وجود، بخش بزرگی از جوانان همچنان خارج از حوزه اشتغال، تحصیل یا آموزش (NEET) باقی مانده‌اند که این موضوع بر فرصت‌های بازار کار آینده آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت. در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۳.۵ درصد از جوانان در گروه NEET قرار داشتند که این میزان برای زنان به مراتب بیشتر بود. بیشترین رقم NEET متعلق به کشورهای عربی و منطقه آسیای جنوبی است. برای ایران آخرین رقم اعلام شده برای این گروه جوانان در سال ۱۳۹۹ برابر با ۲۹.۳ درصد است که از میانگین جهانی بالاتر ولی از متوسط رقم منطقه آسیای جنوبی کمتر است.

همچنان چالش مهم اقتصادها به ویژه اقتصادهای در حال توسعه، کاهش نرخ NEET با هدف بهره‌مند شدن از پتانسیل نهفته در خیل عظیم جوانان در پروفایل جمعیتی این کشورهاست. تا حدی پرکردن شکاف جهانی اشتغال از طریق افزایش دامنه شغل‌های با کیفیت می‌تواند فعالیت اقتصادی را رونق بخشد. البته در این رابطه اقتصادهای پیشرفته، با فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای گروه کارکنان مسن‌تر و حفظ ارتباط و وابستگی آنها به بازار کار، پیشرفت خوبی داشته‌اند و این‌ها تنها گروهی از کشورهایی است که در آن نرخ مشارکت نیروی کار در دهه گذشته به جای کاهش، افزایش یافته است.



اقتصاد کلان و اشتغال



- تعامل میان عوامل اقتصاد کلان، روندهای بلندمدت و تنظیمات نهادی، متفاوت است و بر رشد اشتغال در گروه‌های درآمدی گوناگون، تأثیر متفاوتی می‌گذارد:
- اولاً، چشم انداز اقتصاد کلان برای کشورهای با درآمد بالا بدبینانه است، در حالی که بسیاری از کشورهای دیگر احتمالاً پس از کسب نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، شاهد عادی شدن رشد خواهند بود.
- ثانیاً، پوشش کم حمایت اجتماعی در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط-پایین به این معنی است که بسیاری از کارکنان با کاهش فعالیت اقتصادی مجبور به ورود به بخش اقتصاد غیررسمی خواهند شد. در مقابل، برخی از کشورها با اجرای طرح‌های موفق و آزموده‌شده حفظ اشتغال - که بیشتر آنها جزو اقتصادهای با درآمد بالا هستند - دوباره از نیروی کار استفاده و در نتیجه کاهش اشتغال را محدود خواهند کرد.
- ثالثاً، ممکن است بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای پردرآمد به دلیل پیری و انقباض بازار کار با کمبود نیروی کار مواجه شوند که در این شرایط تا حد امکان تلاش خواهند کرد که نیروی کار موجود را حفظ کنند.
- رشد اشتغال در سال ۲۰۲۱ به علت بازگشایی بخش‌های کلیدی اقتصاد، قوی بود و در سال ۲۰۲۲ نیز شرایط بازار کار بهبود یافت و در این سال نسبت اشتغال به جمعیت از سطح پیش از بحران خود در مناطق اروپا و آسیای مرکزی فراتر رفت و بخش عمده‌ای از زیان‌ها در سایر مناطق را جبران کرد. زنان که به طور نامتناسبی تحت تأثیر کاهش اشتغال در سال ۲۰۲۰ قرار گرفته بودند، در سال ۲۰۲۲ رشد اشتغال قوی را تجربه کردند و نسبت اشتغال به جمعیت زنان به میزان ۰.۳ واحد درصد نسبت به سطح قبل از بحران بهبود یافت. با این حال، این بهبود قوی عمدتاً ناشی از رشد اشتغال غیررسمی بود؛ از هر پنج شغل ایجاد شده در سال ۲۰۲۲ برای زنان، چهارمورد غیررسمی بود، در حالی که برای گروه مردان دو شغل از هر سه شغل اضافه‌شده مربوط به بخش غیررسمی بود.

رشد اشتغال

پیش‌بینی می‌شود که کل اشتغال جهان در سال ۲۰۲۳ به میزان ۱.۰ درصد افزایش یابد، که سرعت رشد مزبور کاهش قابل توجهی نسبت به نرخ رشد ۲.۳ درصدی در سال ۲۰۲۲ خواهد داشت. هیچ پیشرفت بارزی برای سال ۲۰۲۴ در حالی که انتظار می‌رود رشد اشتغال در این سال ۱.۱ درصد باشد، پیش‌بینی نشده است. چشم انداز اشتغال برای کشورهای با درآمد بالا، بدینانه است و رشد اشتغال در این گروه کشورها نزدیک به صفر خواهد بود. در مقابل، پیش‌بینی می‌شود که کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط-پایین شاهد رشد اشتغال بهتری در مقایسه با قبل از همه‌گیری باشند. در مجموع کاهش رشد اشتغال به این معنی است که به احتمال قوی شکاف اشتغال باز شده توسط بحران کووید-۱۹ در سطح جهانی، طی دو سال آینده، بسته نخواهد شد.

چشم انداز بازار کار از حیث مناطق جغرافیایی نیز برای سال ۲۰۲۳ متفاوت خواهد بود. انتظار می‌رود منطقه آفریقا و کشورهای عربی شاهد رشد اشتغال در حدود ۳ درصد یا بیشتر باشند. با این حال، با افزایش جمعیت در سن کار، هر دو منطقه مزبور احتمالاً شاهد کاهش اندک نرخ بیکاری خواهند بود (از ۷.۴ به ۷.۳ درصد در آفریقا و از ۸.۵ به ۸.۲ درصد در کشورهای عربی). پیش‌بینی می‌شود در مناطق آسیا و اقیانوسیه و در آمریکای لاتین و کارائیب، رشد اشتغال در سال ۲۰۲۳ حدود ۱ درصد باشد. در آمریکای شمالی، در سال ۲۰۲۳ هیچ افزایش شغلی وجود نخواهد داشت و بیکاری افزایش خواهد یافت. مناطق اروپا و آسیای مرکزی از پیامدهای اقتصادی درگیری اوکراین آسیب دیده‌اند لذا پیش‌بینی می‌شود که اشتغال این مناطق در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد، اما نرخ بیکاری با توجه به رشد محدود جمعیت در سن کار، فقط اندکی افزایش خواهد یافت.

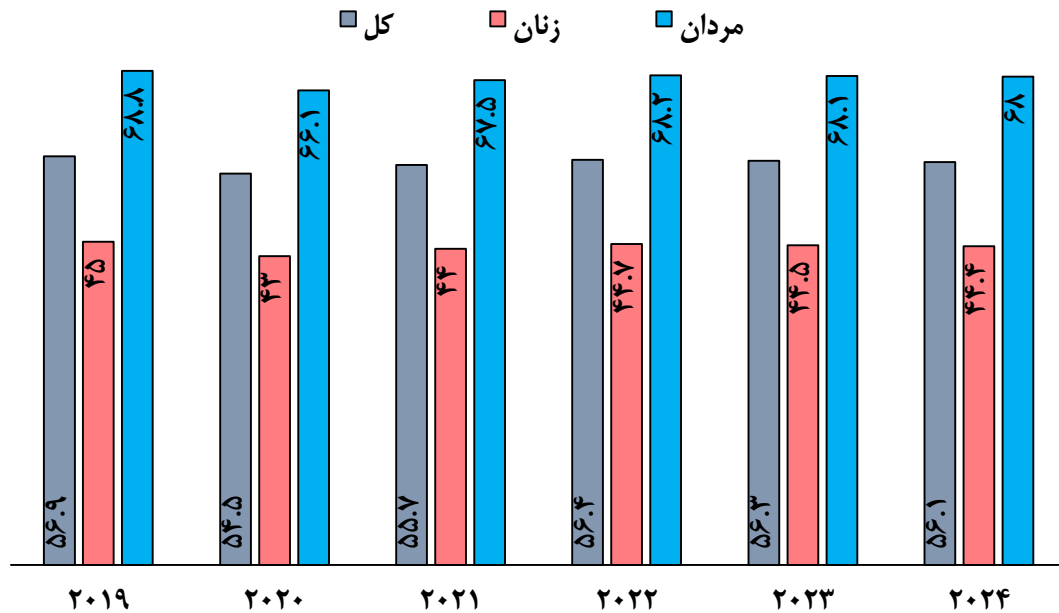
پیش‌بینی رشد سالانه اشتغال در جهان و مناطق درآمدی گوناگون اقتصادی ۲۰۱۰-۲۴ - درصد

	۲۰۱۰-۱۹	۲۰۲۰-۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴
جهان	۱.۱	۰.۲	۲.۳	۱	۱.۱
کشورهای کم درآمد	۲.۸	۲.۴	۳.۷	۳.۳	۳.۳
کشورهای با درآمد متوسط - پایین	۱.۶	۰.۴	۳	۱.۸	۱.۸
کشورهای با درآمد متوسط - بالا	۰.۵	۰	۱.۲	۰.۱	۰.۳
کشورهای با درآمد متوسط - بالا با استثنای چین	۱.۲	-۰.۶	۳.۳	۰.۷	۰.۸
کشورهای با درآمد بالا	۱.۱	-۰.۶	۲.۷	۰.۲	-۰.۱

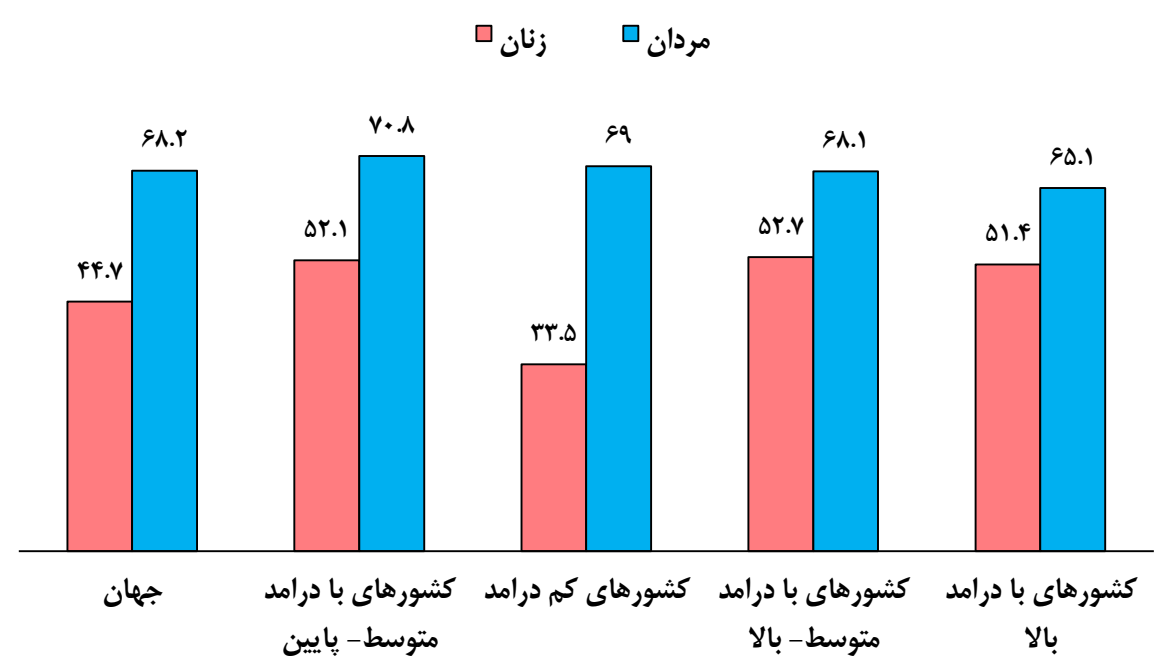


نسبت اشتغال

متوسط نسبت اشتغال به جمعیت جهان ۲۴-۲۰۱۹ درصد



نسبت اشتغال به جمعیت در مناطق درآمدی جهان در سال ۲۰۲۲- درصد

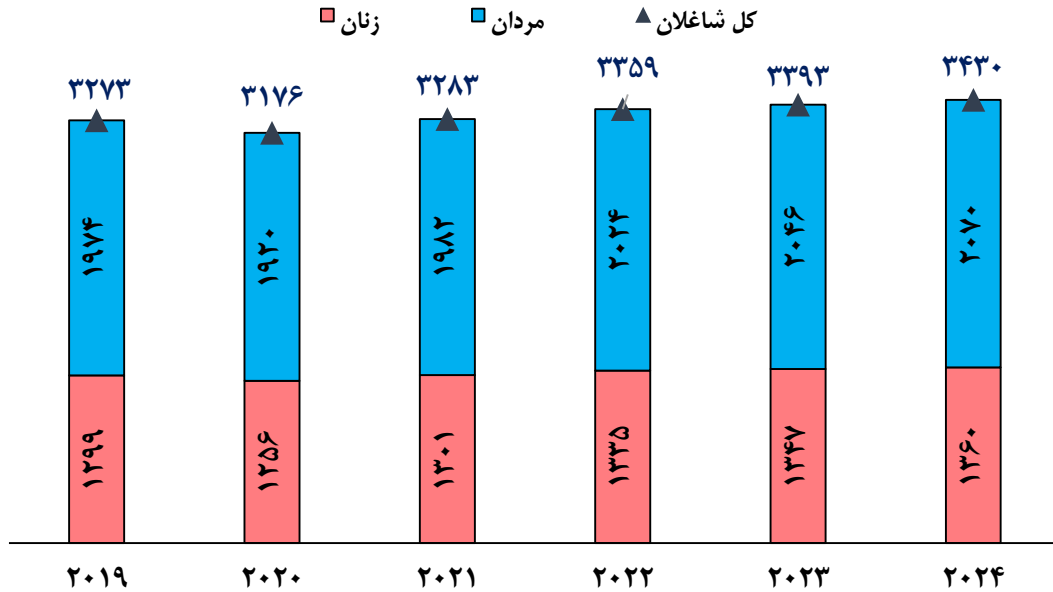


- رشد شدید اشتغال در سال ۲۰۲۲ موجب شد تا نسبت اشتغال به جمعیت جهان به ۵۶.۴ درصد افزایش و بهبود یابد که اگرچه بیشتر از رقم ۵۴.۵ درصد سال ۲۰۲۰ است اما همچنان تقریباً نیم واحد درصد کمتر از رقم مشابه سال ۲۰۱۹ است. انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۳، نسبت مزبور کمی تضعیف شود و به ۵۶.۳ درصد برسد که میزان افت برای زنان بیشتر از مردان خواهد بود.
- متوسط نسبت اشتغال به جمعیت برای مردان در سال ۲۰۲۲ حدود ۶۸.۲ درصد و برای زنان رقمی کمتر و برابر با ۴۴.۷ درصد است. در میان مناطق درآمدی گوناگون، بهترین نسبت اشتغال به جمعیت برای زنان متعلق به کشورهای با درآمد متوسط بالا و برابر با ۵۲.۷ درصد و کمترین متعلق به اقتصادهای کم درآمد و با رقم ۳۳.۵ درصد است. نکته قابل توجه دیگر شکاف میان نسبت اشتغال به جمعیت زنان و مردان در گروه‌های گوناگون کشوری است که کمترین متعلق به کشورهای با درآمد بالا و حدود ۱۳.۷ واحد درصد است.
- در ایران نسبت اشتغال به جمعیت در سال ۱۴۰۰ برای کل برابر با ۳۷.۲ درصد، برای مردان برابر با ۶۳.۳ درصد و برای زنان رقمی بسیار کم و فقط ۱۱.۱ درصد بوده که حتی کمتر از گروه کشورهای کم درآمد است.

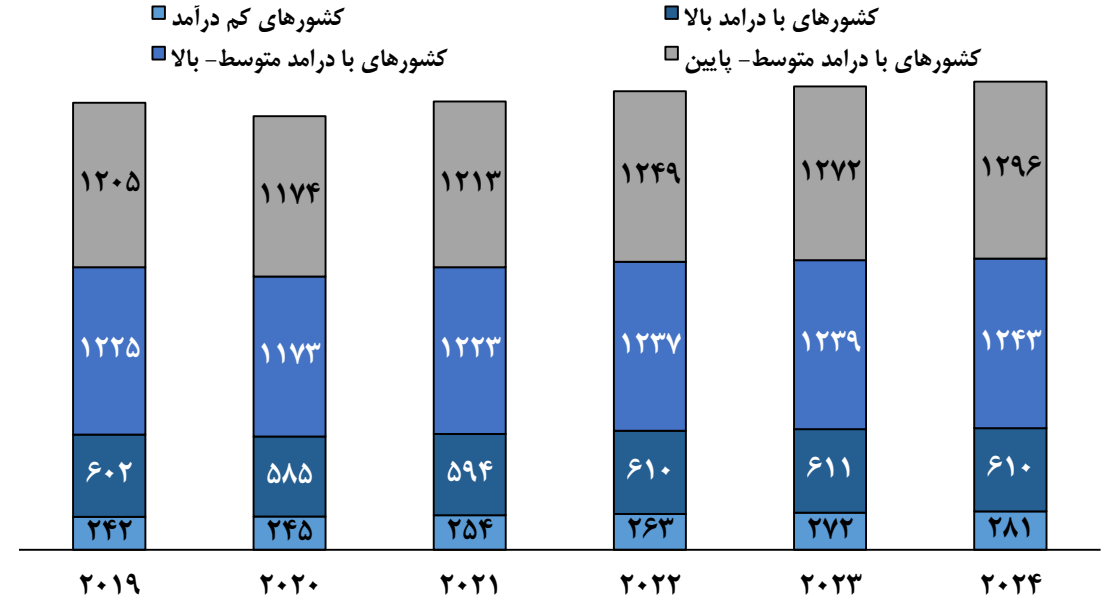


تعداد شاغلان

تعداد شاغلان جهان - میلیون نفر



ترکیب تعداد شاغلان جهان در مناطق درآمدی گوناگون - میلیون نفر

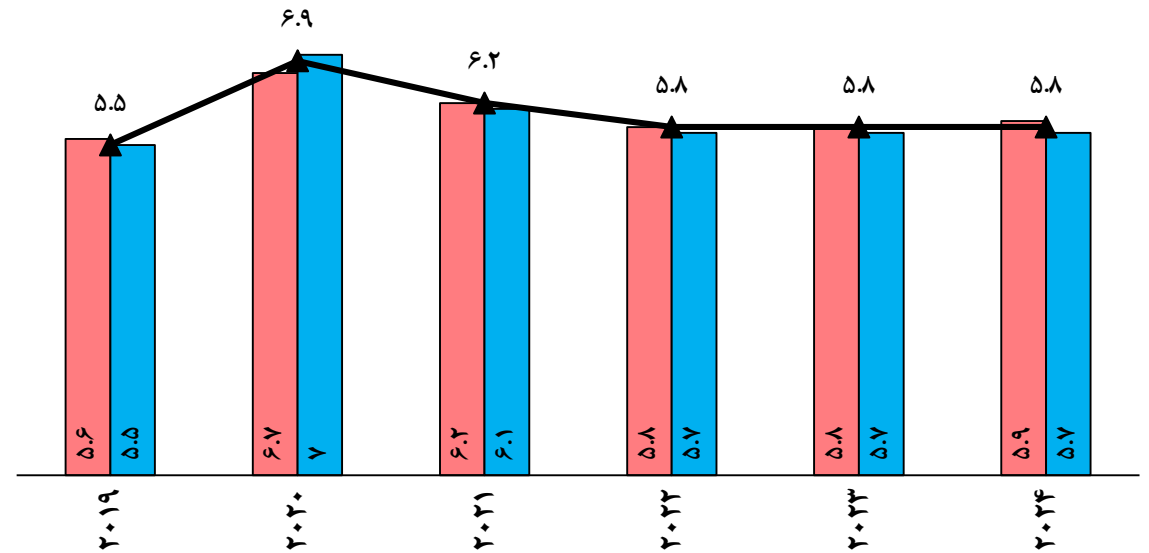


- جمعیت شاغل جهان در سال ۲۰۲۰ به دلیل بحران همه‌گیری کووید، افت کرد که بعد از آن با مهار نسبی بحران سلامت، طی سالهای ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ با افزایش همراه شد و به رقم تقریبی ۳.۳۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۲ رسید. در این سال ۶۰ درصد از جمعیت شاغلان جهان را مردان، و ۴۰ درصد مابقی را نیز زنان تشکیل داده‌اند و بیشترین تعداد شاغلان متعلق به گروه کشورهای با درآمد متوسط (بالا و پایین) با سهم ۷۴ درصدی است.
- انتظار می‌رود حدود ۳۳ میلیون نفر به تعداد شاغلان جهان در سال ۲۰۲۳ افزوده شود که ۱۲ میلیون نفر از افزایش مزبور را زنان، و مابقی را مردان تشکیل خواهد داد. از منظر مناطق درآمدی، پیش‌بینی می‌شود بخش عمده افزایش اشتغال در سال ۲۰۲۳ متعلق به گروه کشورهای با درآمد متوسط - پایین با رقم ۲۳ میلیون نفر باشد که بعد از آن کشورهای کم درآمد با ۹ میلیون نفر افزایش قرار می‌گیرند.
- طبق داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۳.۴۵ میلیون نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۹۹، حدود ۱۸۴ هزار نفر معادل ۰.۷ درصد، افزایش داشته است. نکته جالب در رابطه با افزایش اشتغال مزبور این است که تنها عامل تامین رشد مزبور، افزایش تعداد شاغلان مرد با رقم حدود ۳۲۷ هزار نفر بوده که توانسته افت ۱۴۲ هزار نفری اشتغال زنان در این سال را نیز جبران کند و در واقع اشتغال زنان در این سال نه تنها رشدی نداشته بلکه ۳.۸ درصد افت داشته است. موضوع مهم دیگر در رابطه با ترکیب اشتغال در ایران، سهم ۸۵ درصدی مردان در برابر سهم کم ۱۵ درصدی زنان از تعداد شاغلان است که سهم زنان در ایران ۲۵ واحد درصد از میانگین جهانی، کمتر است.

نرخ بیکاری

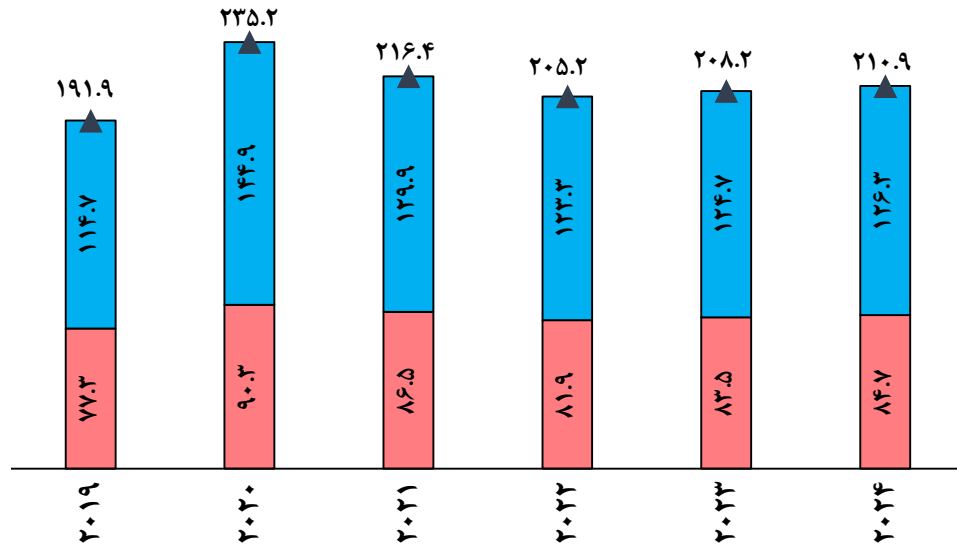
نرخ بیکاری جهان ۲۰۱۹-۲۴ درصد

کل ▲ مردان ■ زنان ■



تعداد بیکاران جهان ۲۰۱۹-۲۴ - میلیون نفر

کل ▲ مردان ■ زنان ■



- اگرچه تعداد بیکاران جهان در سال ۲۰۲۲ به میزان قابل توجهی کاهش یافت و از ۲۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ به ۲۰۵ میلیون نفر رسید، اما همچنان ۱۳ میلیون نفر بالاتر از سطح سال ۲۰۱۹ باقی مانده است. در سال ۲۰۲۲ تقریباً ۶۰ درصد از جمعیت بیکاران را مردان و ۴۰ درصد مابقی را زنان تشکیل داده است. در سال ۲۰۲۲، نرخ بیکاری تنها در قاره آمریکا و اروپا و آسیای مرکزی کمتر از سطح قبل از بحران بود. در این سال بیشترین تعداد بیکاران متعلق به کشورهای با درآمد متوسط (بالا و پایین) و کمترین تعداد بیکاران مربوط به کشورهای کم درآمد است.
- پیش‌بینی می‌شود که تعداد بیکاران جهان در سال ۲۰۲۳ اندکی افزایش یافته و به ۲۰۸ میلیون نفر برسد که معادل نرخ بیکاری ۵.۸ درصد است. با وجود چشم‌انداز منفی اقتصادی، انتظار می‌رود که بیکاری در سطح جهان رشد کمی داشته باشد زیرا احتمال دارد بخش بزرگی از شوک با کاهش سریع دستمزدهای واقعی با شتاب تورم جذب شود. نرخ بیکاری برای زنان و مردان در جهان تقریباً مشابه و به ترتیب ۵.۷ و ۵.۸ درصد است.
- تعداد بیکاران در ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۲.۳۷ میلیون نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۹۹ هزار نفر از این تعداد کاسته شده که بیشترین کاهش مربوط به تعداد بیکاران مرد (۹۰ هزار نفر) و مابقی مربوط به زنان بوده است. نرخ بیکاری ایران در سال ۱۴۰۰ نیز برابر با ۹.۲ درصد اعلام شده که برای مردان ۷.۹ درصد و برای زنان ۱۶ درصد، یعنی تقریباً دوبرابر رقم مشابه مردان است در حالی که میانگین جهانی، نرخ بیکاری تقریباً یکسان برای مردان و زنان را نشان می‌دهد.



ساعات هفتگی کار

- کل ساعات کار هفتگی در سال ۲۰۲۲ بعد از تعدیل جمعیتی، نسبت به سطح خود در فصل انتهایی سال ۲۰۱۹ حدود ۱.۴ درصد کمتر بود.

- متوسط جهانی ساعات کاری در هفته در سال ۲۰۲۲ برای مردان ۴۴.۱ ساعت و برای زنان ۳۷.۳ ساعت بود. بیشترین ساعات کار در هفته برای مردان مربوط به منطقه آسیای جنوبی برابر با ۴۹.۷ ساعت و آسیای مرکزی و غربی با ۴۷.۹ ساعت است. کمترین ساعات کار در هفته برای مردان نیز متعلق به منطقه اروپای شرقی با ۳۶.۸ ساعت و اروپای شمالی، جنوبی و غربی با ۳۷.۲ ساعت است. بیشترین ساعات کاری هفتگی در جهان متعلق به منطقه آسیای شرقی است که حتی از متوسط ساعات کار هفتگی مردان در امریکای شمالی و اروپا نیز بالاتر است.

- پیش‌بینی می‌شود میانگین ساعات کار هفتگی به ازای هر نفر کارکن در سال ۲۰۲۳ در نتیجه رکود اقتصادی، اندکی کاهش یابد و در سطح کمی بالاتر از ۴۱ ساعت در هفته باقی بماند. این کاهش فعالیت، پتانسیل درآمدی کارکنان را محدود می‌کند و به احتمال زیاد فرصت‌های انتقال به مشاغل با کیفیت بهتر و پردرآمد را نیز کاهش می‌دهد.

- بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، متوسط ساعات کار هفتگی در ایران در سال ۱۴۰۰ برابر با ۴۳.۵ ساعت (۴۵.۳ ساعت برای مردان و ۳۳.۶ ساعت برای زنان) برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۹۹ برابر با ۱.۳ ساعت در هفته افزایش داشته است.

متوسط ساعات کار هفتگی شاغلان جهان و مناطق گوناگون در سال ۲۰۲۲



تهدیدهای نزولی در سال ۲۰۲۳ قابل توجه است. «چند بحران» می‌توانند رشد اقتصادی جهانی را در سال ۲۰۲۳ به زیر ۲ درصد برساند و پیامدهای جدی برای ایجاد اشتغال داشته باشد. حتی بدون کاهش بیشتر رشد، امکان تشدید وخامت چشم انداز بازار کار برای مثال در صورتی که کسب‌وکارها به دلیل محدودیت‌های مالی نتوانند کارکنان خود را حفظ کنند، یا دولت‌ها خود را در بحران بدهی و ناتوانی در حمایت از بازار کار ببینند، وجود دارد. در کشورهای با سطح درآمد کم و متوسط، نابرابری و کاهش درآمدهای واقعی در مواجهه با افزایش قیمت‌ها می‌تواند تقاضا برای کالاها و خدمات تولید داخل را سرکوب کند و در نتیجه رشد اشتغال را به ویژه در بخش رسمی کاهش دهد.

علیرغم کندی رشد اشتغال، همچنان کمبود نیروی کار واجد شرایط در برخی کشورها و بخش‌ها، یک خطر است. افزایش عمده سرمایه‌گذاری در تحصیل و آموزش برای آشکارسازی پتانسیل کامل نیروی کار جهانی ضروری است. در شرایط فعلی، دو سوم نیروی کار جهان را جوانان فاقد مهارت‌های لازم تشکیل می‌دهد که همین امر فرصت‌های بازار کار را برای این گروه از نیروی کار محدود کرده و به سهولت آنها را به سمت مشاغل با کیفیت پایین سوق می‌دهد. در واقع، طی دهه گذشته گسترش مشارکت نیروی کار در اقتصادهای پیشرفته اغلب به قیمت کاهش تدریجی متوسط کیفیت آموزش اتفاق افتاده که در نهایت منجر به کاهش سرعت رشد بهره‌وری نیز شده است. در محیط کنونی اقتصاد جهان برای رفع چالش‌هایی ارتقای بهره‌وری و اشتغال، انجام ابتکاراتی گسترده در بازار کار با تمرکز بر اشتغال و ارتقای مهارت‌ها ضروری است.

فضای سیاست جهانی از هم گسیخته است. همه‌گیری ویروس کرونا چالش‌های ظرفیتی قابل توجهی را برای نهادهای سیاست‌گذار اصلی ایجاد کرده است. بانک‌های مرکزی در سراسر جهان با بده-بستان‌های دشواری بین حمایت بیشتر از بهبودی در دوران پسا کووید و پرداختن به تورم بالا مواجه هستند. اگرچه بسیاری از کشورها از نظر ساعات کاری هنوز به سطح قبل از همه‌گیری نرسیده و بهبود نیافته‌اند، ولی شوک‌های وارده به قیمت انرژی و مواد غذایی بر ضرورت عادی‌سازی سیاست‌ها و کاهش اقدامات اضطراری تاکید دارد. در طول همه‌گیری، دولت‌هایی که مقدار قابل توجهی بدهی را برای حمایت از مشاغل و خانوارها ایجاد کرده‌اند، اکنون تحت فشار هستند تا برخی از اقدامات حمایتی خود را حذف کنند.





کیفیت کار نیز تحت فشار است. فراتر از شکاف در اشتغال، کیفیت شغل نیز همچنان یک نگرانی کلیدی است. بدون دسترسی به حمایت اجتماعی، بسیاری از مردم به سادگی نمی‌توانند بدون شغل بمانند. آنها اغلب هر نوع کاری را با دستمزد بسیار کم و با ساعات نامناسب یا ناکافی می‌پذیرند. بنابراین کاهش پیش‌بینی‌شده احتمالاً کارکنان را مجبور به پذیرش مشاغل با کیفیت بدتر از آنچه در شرایط اقتصادی بهتر ممکن است داشته باشند، می‌کند. علاوه بر این، با افزایش سریع‌تر قیمت‌ها نسبت به دستمزدهای اسمی، کارکنان حتی زمانی که بتوانند شغل فعلی خود را حفظ کنند، به سرعت کاهش درآمد قابل‌تصرفی را تجربه خواهند کرد.

فقدان کار مطلوب و شایسته بسته به منطقه از نظر شکل و شدت متفاوت است. در کشورهای عربی، آفریقای شمالی و آسیای جنوبی، تفاوت‌های مربوط به جنسیت در شاخص‌های بازار کار، از جمله نرخ مشارکت نیروی کار، قابل توجه است. افزایش نرخ اشتغال غیررسمی در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و کشورهای جنوب صحرای آفریقا، مانع از دسترسی نیروی کار به حمایت اجتماعی و حقوق اساسی در محل کار می‌شود. همه مناطق به نوعی از کسری کار و شغل مناسب رنج می‌برند. وخامت کنونی شرایط اقتصاد جهانی احتمالاً پیشرفت گذشته را معکوس، و این کسری‌ها را در جهات گوناگون تضعیف خواهد کرد.

تورم تأثیر زیادی بر توزیع درآمدهای واقعی دارد. بسیاری از کارکنان و بنگاه‌ها نمی‌توانند درآمد خود را متناسب با تورم افزایش دهند و از این رو متحمل زیان در درآمد واقعی می‌شوند. با این حال، برخی از کارکنان و بنگاه‌ها - برای مثال، آنهایی که در بخش انرژی فعالیت می‌کنند - افزایش درآمدهای بالاتر از نرخ تورم را تجربه می‌کنند که در نتیجه درآمد واقعی آنها را افزایش می‌دهد. کاهش درآمد واقعی به ویژه برای خانوارهای فقیرتر ویرانگر است و خطر سقوط به سمت فقر و ناامنی غذایی را تهدید می‌کند.

پیوندهای زنجیره تامین جهانی (Global Supply Chain-GSC) در حال انتشار به سوی کشورهای با درآمد پایین و متوسط همراه با کاهش رشد تقاضا در کشورهای با درآمد بالا است. بر اساس بررسی انجام شده با جامعه آماری متشکل از ۲۴ اقتصاد با سطح درآمد متوسط، حدود ۱۱.۳ درصد از مشاغل در این گروه کشورها - به استثنای مشاغل کشاورزی و خدمات غیربازار - به پیوندهای زنجیره تامین جهانی با اقتصادهای با درآمد بالا وابسته هستند. در برخی از اقتصادهای کوچک‌تر، این نسبت حتی بیش از ۲۰ درصد است. در کشورهای با درآمد متوسط، بخش‌هایی با ادغام بیشتر با GSCها تمایل به یکپارچگی بزرگتر، سهم بیشتر مشاغل مزد و حقوق بگیر، شیوع کمتر غیررسمی و نسبت کمتری از کارکنان کم دستمزد - و در نتیجه کیفیت شغلی بالاتر دارند. از آنجایی که کاهش تقاضا در کشورهای با درآمد بالا احتمالاً رشد اشتغال در کشورهای با درآمد متوسط را به سمت فعالیت‌هایی که به GSCها مرتبط نیستند تغییر می‌دهد، لذا ممکن است بدنبال این اتفاق کیفیت اشتغال نیز کاهش یابد.

سرعت نوآوری فناوری در اقتصاد دیجیتال بالا است، اما مزایای آن به طور گسترده به اشتراک گذاشته نمی‌شود. تمرکز صنعت به‌ویژه در اقتصاد دیجیتال رایج است، زیرا به دلیل نقش قابل توجه دارایی‌های نامشهود در مدل کسب‌وکار، رشد بهره‌وری بین شرکت‌های پیشرو متفاوت است. نوآوری‌های دیجیتال هنوز نتوانسته‌اند سرریزهای اقتصادی را در بهره‌وری ایجاد کنند که باعث افزایش شغل و رشد شود و این در حالی است که افزایش بهره‌وری متمرکز، توزیع مطلوب آن را منحرف کرده است. گرایش فرصت‌های شغلی با مهارت بالا به سمت چند صنعت مبتنی بر فناوری موجب شده تا هم نابرابری و هم کاهش بهره‌وری، تشدید شود. پیشرفت‌های فناوری هنوز به مرحله‌ای که منافع همگانی را برای جامعه به همراه داشته باشند از جمله در حوزه مدیریت تحرک یا مدیریت شبکه برای گذار به انرژی پایدار، نرسیده‌اند. به منظور تقویت توسعه فناوری در مناطق با بازده اجتماعی بالا، به ترکیبی از اعمال رویکردهای تنظیم استانداردها، تدارکات عمومی و همکاری برای افزایش بهره‌وری در میان نهادها و شرکای اجتماعی و همچنین نوآوری مقرراتی و سیاستی نیاز است.

بهره‌وری نیروی کار



رشد بهره‌وری همچنان بسیار مهم است؛ کاهش بلندمدت رشد بهره‌وری در اقتصادهای پیشرفته به اقتصادهای مهم در حال ظهور نیز سرایت کرده است. این موضوع بسیار نگران کننده است، زیرا رشد بهره‌وری برای رسیدگی به بحران‌های متعدد امروزی در حوزه قدرت خرید، رفاه و پایداری زیست محیطی کلیدی است. برای مقابله با تهدیدات مربوط به عدم دسترسی به کار مطلوب و رفاه که موارد گوناگونی از جمله فقر گسترده، بازار کار غیررسمی، و فقدان محل کار ایمن و مطمئن را در بر می‌گیرد، به سرمایه‌گذاری، نوآوری و گسترش فناوری نیاز است. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در مهارت‌ها و توانایی‌های افراد به طور گسترده به عنوان یک عامل اصلی در رشد بهره‌وری نیروی کار شناخته می‌شود. علاوه بر این، اهداف اقلیمی توافق پاریس مستلزم تسریع نیل به پیشرفت فنی است تا اقتصادها را قادر به رشد، استفاده کارآمدتر از انرژی و سایر منابع طبیعی و کاهش قابل توجه میزان تولید گازهای گلخانه‌ای نماید. با این حال، متأسفانه طی دو دهه اخیر جهان شاهد کاهش تدریجی رشد بهره‌وری به ویژه در اقتصادهای پیشرفته و همچنین در اقتصادهای مهم در حال ظهور بوده است.

نه تنها طی سالهای اخیر رشد بهره‌وری کاهش یافته، بلکه منافع رشد مزبور نیز کمتر به طور مساوی تقسیم شده است. سهم نیروی کار از درآمد جهانی طی یک دهه و نیم قبل روندی کاهشی داشته است. دهه‌ها کاهش حداقل دستمزد (واقعی)، فرسایش نهادهای قوی بازار کار، و عدم احیای گفتگوهای اجتماعی در مقیاس بزرگ‌تر، مانع از مشارکت بیشتر و عادلانه‌تر نیروی کار در منافع رشد اقتصادی شده است. در این میان افزایش تمرکز صنعتی نیز در بخش‌های خاص به نابرابری دامن می‌زند و مانع از پویایی اقتصادی، به‌ویژه در میان بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود. تشدید نابرابری و کاهش رشد بهره‌وری، یکدیگر را تقویت می‌کنند، زیرا به دلیل تمرکزدهی منافع درآمدی حاصل، تحریک سرمایه‌گذاری تضعیف می‌شود. چشم‌انداز ضعیف بازار کار و افزایش اشتغال غیررسمی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد را بیشتر تضعیف کرده است. از سوی دیگر، با توجه به افزایش قابل توجه نااطمینانی در مورد مسیر آینده اقتصاد جهانی، گسترش اشتغال در میان کارکنان غیررسمی بسیار سریع است که به نوبه خود تأثیرات منفی بر سرمایه‌گذاری که روند نزولی بلندمدتی داشته است، خواهد گذاشت. نرخ پایین سرمایه‌گذاری با رشد کمتر دستمزد و کاهش انگیزه کارفرمایان برای سرمایه‌گذاری در زمینه به‌روزرسانی و ارتقای مهارت نیروی کار نیز پیوستگی دارد. با تضعیف نهادهای بازار کار، بسیاری از کشورها فاقد مکانیسم‌هایی برای محدود کردن یا جلوگیری از فرسایش بیشتر دستمزدهای واقعی و در نتیجه پشتیبانی از تقاضای کل و رشد اقتصادی متعادل و فراگیر هستند.



رشد بهره‌وری از تضعیف سرمایه‌گذاری آسیب دیده است که تا حدی از سطوح بالای عدم قطعیت و نااطمینانی اقتصادی نشات می‌گیرد. از زمان بحران مالی جهانی، عدم اطمینان اقتصادی فراگیر شده و با وجود سطح پایین نرخ بهره، مانع از سرمایه‌گذاری شده است. این کاهش سرعت سرمایه‌گذاری اغلب با تغییر سرمایه‌گذاری کسب و کار به سرمایه‌گذاری در املاک مسکونی همراه بوده که کمتر منجر به بهبود سریع بهره‌وری شده است. بخشی از دلایل بروز این اتفاق، نوسانات شرایط عمومی اقتصادی ناشی از بحران‌های اخیر بوده که باعث شده است کسب و کارها تمایلی به گسترش ظرفیت یا شروع سرمایه‌گذاری‌های جدید نداشته باشند. حرکت به سمت یک محیط اقتصادی کلان با ثبات‌تر احتمالاً می‌تواند به کاهش بخشی از شکاف سرمایه‌گذاری ناشی از بحران اخیر سلامت، کمک کند. اقدام قوی‌تر برای رسیدگی به نابرابری‌ها نیز به تحریک فعالیت سرمایه‌گذاری با افزایش گسترده‌تر درآمدهای قابل تصرف کمک می‌کند.

در حالی که بهبودی پس از همه‌گیری در بین کشورها نابرابر است، قرار گرفتن در معرض تنش‌های ژئوپلیتیکی و افزایش قیمت‌های ناشی از اختلالات عرضه نیز ناهموار است. کشورهای اروپایی با افزایش قابل توجه و ناگهانی هزینه‌های انرژی مواجه هستند که به رکود تورمی را در این گروه کشورها تقویت می‌کند. در میان کشورهای آفریقایی، افزایش قیمت مواد غذایی در مقایسه با تجارب سال‌های قبل، شدیدتر شده است. بسیاری از کشورهای جنوب صحرا در تولید مواد غذایی خودکفا نیستند و واردات مواد غذایی در این کشورها نیز از تنوع مطلوبی برخوردار نیست. در سرتاسر جهان، تضمین دسترسی به کالاها و خدمات اساسی با قیمت‌های مناسب به یک دغدغه ملی تبدیل شده است در حالی که گاهی اوقات به اثرات سرریز این چنین اقدامات در سطوح ملی بر اقتصاد بین‌المللی توجهی نمی‌شود.

ابتکار و ائتلاف جهانی

در پاسخ به بحران‌های متعدد اقتصادی و ژئوپلیتیکی، همبستگی بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری حیاتی است. تعهد قوی به ابتکاراتی مانند شتاب‌دهنده جهانی سازمان ملل متحد در زمینه مشاغل و حمایت اجتماعی برای گذار عادلانه؛

(UN Global Accelerator on Jobs and Social Protection for Just Transitions)

و همچنین مشارکت نزدیک نهادها و شرکای اجتماعی در تمام زمینه‌های سیاست‌گذاری در سطوح ملی و بین‌المللی اقدامات کلیدی هستند که موجب تقویت انسجام سیاست‌ها و مشارکت‌ها برای مقابله با چالش‌های فعلی و پاسخ به روندهای بلند مدت آینده می‌شوند.

با توجه به کمبود و دشواری دسترسی به شغل مطلوب و نبود عدالت اجتماعی، یک قرارداد اجتماعی جدید جهانی برای افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادها و جوامع در مواجهه با بحران‌های متعدد امروزی مورد نیاز است. بیانیه سال ۲۰۱۹ سازمان بین‌المللی کار و فراخوان جهانی ۲۰۲۱ برای بازیابی انسان محور از بحران کووید-۱۹ که فراگیر، پایدار و انعطاف پذیر است عناصر اصلی چنین استراتژی را در سطوح ملی و بین‌المللی تشکیل می‌دهد.

به این منظور، سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۳ یک ائتلاف جهانی برای عدالت اجتماعی؛

(Global Coalition for Social Justice)

را با هدف تقویت همبستگی جهانی و بهبود انسجام سیاست‌ها به منظور سرمایه‌گذاری در کار شایسته و عدالت اجتماعی معرفی و ترویج کرده است. پیشرفت سریع در کاهش شکاف جهانی مشاغل، تقویت کیفیت مشاغل و حمایت از درآمد واقعی مستلزم هماهنگی مجدد سیاست‌ها و گفتگوهای اجتماعی است. قرارداد اجتماعی جهانی مطلوب همچنین نیازمند ادغام اهداف بلندمدت، مقابله با تهدیدات ناشی از تغییرات آب و هوایی و در عین حال رفع کسری‌ها در زمینه توسعه مهارت‌ها و استانداردهای زندگی با تاکید بر تامین بخشی از آن از طریق رشد سریع‌تر بهره‌وری، است. دولت‌ها و نهادهای اجتماعی می‌باید از این فرصت جهانی برای تعمیق همکاری خود در این راستا استفاده کنند.



سواحل مکران؛ ظرفیت‌ها و برنامه‌ها

بهمن ۱۴۰۱

معاونت بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



منابع: طرح مطالعاتی "دلالت‌های پروژه «یک کمر بند؛ یک جاده» (جاده ابریشم نوین) برای توسعه صنایع و تولید در ایران" اتاق تهران توسط آرشد

رئیس‌ی نژاد و سند توسعه منطقه ساحلی مکران در افق ۱۴۱۵

تنظیم‌کننده: پریسا مطرانلویی

ناظر: سارا محمدی

واحد پژوهش و مطالعات اقتصادی معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بهمن ۱۴۰۱

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

researchcenter@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

مکران، مکران یا مکوران، اشاره به یک سرزمین تاریخی ساحلی در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان امروزی دارد که گستره آن از رأس الکوه در غرب جاسک تا لاس بلا در جنوب غربی ایالت بلوچستان پاکستان است. به صورت دقیق تر و تاریخی مکران، ولایتی است که از شمال محدود است به سراوان و بمپور و از جنوب به بحر عمان و از مشرق به کلات و از مغرب به بشاگرد. قسمت مهم این منطقه که در ساحل بحر عمان واقع شده است، دشت شن زاری دارای چندین رود خشک است. قریه های مهم مکران عبارتند از: گه، بنت، قصرقند، باهو کلات. همچنین ساکنان زاهدان تا حدود ایرانشهر را بلوچ سرحدی و از ایرانشهر به بعد را مکران می گویند. نام ایالت مکران در بعضی از منابع اروپایی از قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی نیز ذکر شده است. در بعضی اسناد و نقشه های تاریخی اروپایی و بعضی نوشته های عربی دریای عمان امروزی نیز «بحر مکران» نامیده شده است.

منطقه مکران در حال حاضر دارای ۸ بندر با مشخصات، کاربری ها و پیشرفت فیزیکی گوناگون است؛ گستره این بنادر از نقطه صفر مرزی با پاکستان در شرقی ترین نقطه جنوبی ایران تا شرق تنگه هرمز در استان هرمزگان را در برمی گیرد.
این بنادر عبارتند از: گواتر، رودیک، گیشاب، چابهار، گوردیم، بیردف، جد، جاسک.



بیردف

موقعیت: ۹۵ کیلومتری غرب کنارک
پیشرفت فیزیکی: ۱۰۰ درصد
کاربری: صیادی و پرورش ماهی در قفس



گیشاب

موقعیت: ۱۷ کیلومتری غرب رودیک
پیشرفت فیزیکی: ۱۰۰ درصد
کاربری: پایانه صادراتی مواد معدنی کشور



جاسک

موقعیت: شرق تنگه هرمز
کاربری: نظامی، صیادی و تا حدودی تجاری



گوآتر

موقعیت: نقطه صفر مرزی و آخرین بندر ایران در جنوب شرق کشور
پیشرفت فیزیکی: ۱۰۰ درصد
کاربری: مسافری، صیادی، توریستی



جُد

موقعیت: ۱۲۰ کیلومتری غرب کنارک
پیشرفت فیزیکی: ۱۰۰ درصد
کاربری: صیادی، تجارت و صنایع دریایی



رودیک

موقعیت: ۷۰ کیلومتری غرب گوآتر
پیشرفت فیزیکی: ۸۵ درصد
کاربری: شیلات و ورزش‌های آبی



گوردیم

موقعیت: غرب بندر چابهار و ۶۵ کیلومتری کنارک
کاربری: گردشگری و ورزش‌های آبی



چابهار

موقعیت: جنوب شرقی ایران در کنار آب‌های گرم دریای عمان و اقیانوس هند
کاربری: بازرگانی، تاریخی، طبیعی و گردشگری



چابهار مهمترین بندر مکران

عمده سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با زیرساخت‌های بندری در کشور عمدتاً متمرکز در خلیج فارس، تنگه هرمز و بندر شهید رجایی (بزرگترین و مهم‌ترین بندر تجاری ایران) است. در همین رابطه، تنها بندری که قابلیت پذیرش کشتی‌های اقیانوس‌پیما را در خارج از خلیج فارس دارد، بندر چابهار است (به ویژه با فعالیت‌های توسعه‌ای که اخیراً در آنجا صورت گرفته است). چابهار بندری اقیانوسی است که عمق زیادی دارد و می‌تواند کشتی‌های سنگینی با تناژ ۱۰۰ هزار تن را پذیرش کند. با توجه به رویکرد صنعت کشتیرانی، مبنی بر حمل و نقل در ابعاد بزرگ، این موضوع برای بهره‌گیری از مزیت مقیاس بسیار مهم است.



نکته مهم دیگر درباره موقعیت بندر چابهار آن است که این بندر با توجه به دالان‌های ترانزیتی و به طور مشخص دالانی که تبدیل به یک توافق سه جانبه بین ایران، هند و افغانستان شده، به عنوان بهترین حلقه واسط بین این سه کشور محسوب می‌شود. از جمله سایر مزایای این بندر می‌توان به اندازه بازار پیرامون آن اشاره کرد. حول چابهار کشورهای ساحلی اقیانوس هند هستند. علاوه بر شبه قاره هند، کشورهای شرق آفریقا و برخی کشورهای جزیره العرب و به ویژه عمان (که بعضی از بنادر این کشور تبدیل به یک هاب حمل و نقل دریایی نیز شده است) نیز در محدوده بازار بندر چابهار قرار دارند.

طی یک دهه اخیر رویدادهای ژئوپلیتیکی در اقیانوس هند، از جمله ظهور پر قدرت تر چین، رقابت چین و هند و درگیری هند و پاکستان باعث شده اقیانوس هند و بخش غربی آن بیش از پیش در تجارت جهان مهم شود. در کنار این‌ها، اتفاقاتی که در خلیج فارس به عنوان نقطه‌ای محدود و آسیب پذیر در خلال جنگ و صلح روی داده و همچنین تحولات مهم در حوزه هزینه تمام شده و ترانزیت، موجب شده ترتیبات اقتصادی منطقه به سمت سواحل و بنادر اقیانوسی دریای عمان (مکران) در حال حرکت باشد؛ به عبارت دیگر منطقه مکران می‌تواند شاهد یک توسعه اقتصادی دریامحور باشد که این می‌تواند به نفع تمام کشورهای منطقه مکران از جمله ایران تمام شود.

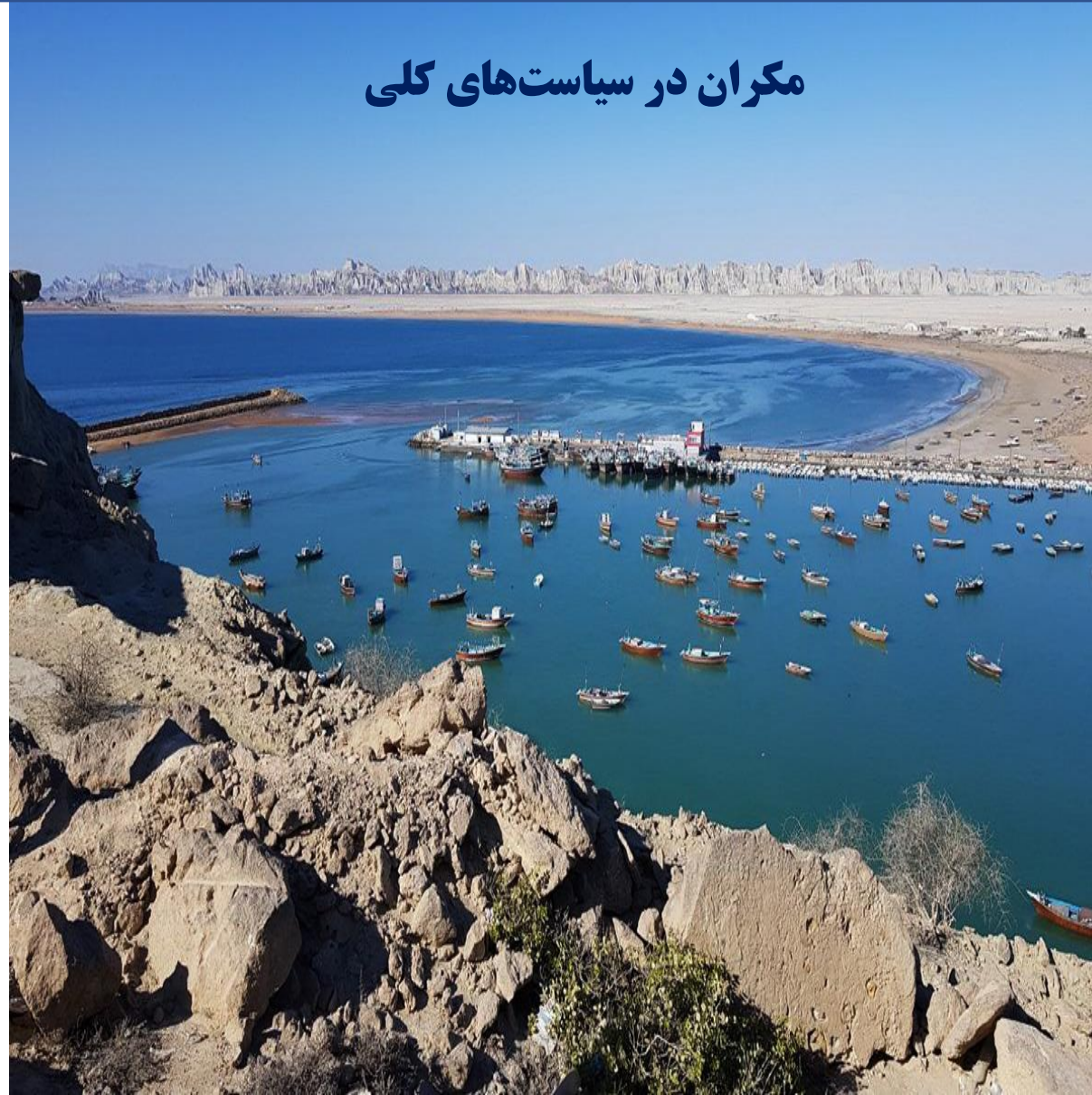
چابهار از معدود بنادر کشور است که طی دو سال اخیر و در اوج تحریم‌ها توانست روند مثبت بسیار خوبی را به لحاظ توسعه زیرساختی تجربه کند. چابهار در حال حاضر از لحاظ زیرساخت بندری مازاد ظرفیت دارد که به خوبی می‌تواند روند رو به رشد تقاضا برای مبادله کالا بین سه کشور اصلی مشارکت کننده در چابهار (یعنی ایران، هند و افغانستان) و سایر فعالیت‌های ترانزیتی را پوشش دهد.

مکران در سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی

«برنامه ششم توسعه»
(۱۳۹۴/۰۴/۰۹)

توسعه اقتصاد دریایی
جنوب کشور در محور
چابهار - خرمشهر با تأکید
بر سواحل مکران



سیاست‌های کلی «جمعیت» (۱۳۹۳/۰۲/۳۰)

حفظ و جذب جمعیت در روستاها
و مناطق مرزی و کم تراکم و
ایجاد مراکز جدید جمعیتی بویژه
در جزایر و سواحل خلیج فارس و
دریای عمان از طریق توسعه
شبکه‌های زیربنایی، حمایت و
تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد
فضای کسب و کار با درآمد کافی

سند توسعه منطقه ساحلی مکران در افق ۱۴۱۵

به استناد بند الف ماده ۳۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، شورای عالی آمایش سرزمین، سند توسعه منطقه ساحلی مکران در افق ۱۴۱۵، که مبتنی بر مطالعات طرح ویژه توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران مصوب دی ماه ۱۳۹۷ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است را تصویب نموده است و این سند در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ از سوی سازمان برنامه و بودجه به نهادهای ذیربط منعکس شده است.

بر اساس این سند منطقه ساحلی مکران مشتمل بر پنج شهرستان چابهار، جاسک، سیریک، کنارک و میناب در دو استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان است و دارای قطب توسعه جاسک به عنوان بندر و پایگاه نیروی دریایی، هاب گاز، نفت و انرژی و منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار به عنوان بندر آزاد و اسکله‌های با ظرفیت ایجاد مناطق صنعتی و حمل و نقل بین‌المللی است. در این سند تصریح شده است که منطقه مکران ظرفیت ایجاد انواع صنایع پتروشیمی، فولاد و صنایع بزرگ را دارد و می‌تواند زمینه گسترده تولید و صادرات مجدد را فراهم سازد و توسعه برون‌زا که محتاج تجهیز منابع و سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی است، عامل مهمی در توسعه منطقه مکران به شمار می‌آید و توسعه درون‌زا و برون‌زا به عنوان مکمل یکدیگر می‌تواند توسعه متوازن و پایدار منطقه را رقم بزند.

در این سند همچنین توسعه منطقه ساحلی مکران توسعه‌ای شبه برون‌زا است که تلفیقی از توسعه درون‌زا و برون‌زا و با پیشرانی توسعه منطقه‌ای برون‌زا است که به همراه توسعه درون‌زای منطبق با ظرفیت‌ها و مزیت‌های منطقه‌ی مکران و اجتماعات محلی و از محل سرریز آن به انجام می‌رسد. در سند توسعه مذکور همچنین اهداف توسعه فضایی منطقه ساحلی مکران و نیز راهبردهای توسعه این منطقه به صورت دقیق تبیین و ترسیم شده است.

دستگاه‌های اجرایی مکلف هستند که بر اساس سند توسعه منطقه ساحلی مکران، برنامه‌های جامع و اجرایی دستگاه مربوط را تهیه و پس از هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه کشور، از محل اعتبارات بودجه‌های سنواتی نسبت به انجام مطالعات و اجرای پروژه‌های مصوب با اولویت مشارکت عمومی - خصوصی اقدام نمایند.



فعالیت‌های قابل استقرار و پروژه‌های پیشرو در توسعه فضایی منطقه مکران

طبق ماده ۶ سند توسعه منطقه ساحلی مکران در افق ۱۴۱۵، فعالیت‌های ۱۲ گانه قابل استقرار و پروژه‌های پیشرو در توسعه فضایی منطقه ساحلی مکران به شرح زیر هستند:

- ✓ صنایع آب‌بر و انرژی‌بر (تولید مواد و فرآورده‌های نفتی و شیمیایی به اضافه "تولید فولاد پایه")
- ✓ صنایع تولید - ساخت نیروبر (اشتغال بومی وابسته به دریا و سرزمین و بدون قید مکان) شیلات و ماهیگیری
- ✓ فعالیت‌های تامین امنیت سرزمین و دفاعی (اداره امور عمومی و دفاع)
- ✓ بازرگانی و خدمات پشتیبان آن (واسطه‌گری های مالی و بیمه، بانکداری و حسابرسی و مشاوره)
- ✓ حمل و نقل و انبارداری و خدمات پشتیبان (لجستیک بندرگاهی - خدمات پشتیبان بازرگانی و واسطه‌گری مالی)
- ✓ صنایع فرآوری، نگهداری و تبدیلی کشاورزی و شیلات
- ✓ عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (کسب و کار، خرید و تجارت) و بازرگانی
- ✓ گردشگری طبیعی با محوریت دریا (اکوتوریسم)
- ✓ گردشگری رویدادهای تخصصی بین‌المللی
- ✓ استخراج معادن و ساخت محصولات کانی فلزی و غیرفلزی
- ✓ کشاورزی، باغداری (خرما و محصولات گرمسیری) و شیلات
- ✓ تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، تأمین آب پایدار و تصفیه فاضلاب

طبق مطالعه‌ای که در سال ۱۴۰۱ در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران تحت عنوان "دلالت‌های پروژه «یک کمربند؛ یک جاده» (جاده ابریشم نوین) برای توسعه صنایع و تولید در ایران" صورت پذیرفته است، ضمن بررسی ابعاد موضوع راه ابریشم نوین در قالب دالان‌های زمینی، سهم آفرینی کشورها در این زمینه، بررسی مطلوبیت‌های سیاسی و اقتصادی جاده ابریشم و همچنین مهم‌ترین حوزه‌های همکاری ایران در این خصوص، برخی پیشنهادات که خاص منطقه مکران می‌باشد، به شرح زیر استخراج گردیده است:

۱- ایجاد دو استان مکران شرقی (چابهار) و مکران غربی (جاسک)

۲- تکمیل گازکشی از ایرانشهر به چابهار برای تبدیل بندر به پایانه صادرات گاز طبیعی و تکمیل گازکشی از بندرعباس به جاسک

۳- ایجاد زنجیره گردشگری از گواتر-جاسک

۴- سرمایه‌گذاری بر روی محصولات کشاورزی منطقه

۵- گردشگری سلامت برای عمان در جاسک

۶- فاینانس راه‌آهن چابهار-زاهدان بر اساس مدل مشارکت عمومی- خصوصی (Public-private partnerships-PPP)

۱- ایجاد دو استان مکران شرقی (چابهار) و مکران غربی (جاسک)

استان سیستان و بلوچستان تنها با مساحت یک هزار کیلومتر مربع کمتر از استان کرمان، دومین استان پهناور کشور (۱۱٪ مساحت کل کشور) محسوب می‌شود. پهناور بودن استان سیستان و بلوچستان به حدی است که از جنوب تا شمال این استان حدود ۹۰۰ کیلومتر فاصله است. با توجه به اهمیت تمرکززدایی در مدیریت برای افزایش بهره‌وری لازم است که تقسیمات کشوری درباره سیستان و بلوچستان و سواحل مکران تغییر کرده و دو استان جدید به نام‌های مکران شرقی به مرکزیت چابهار و مکران غربی به مرکزیت جاسک ایجاد شوند. طول سواحل جنوبی ایران بدون احتساب جزایر، ۱۸۰۰ کیلومتر است. از این میزان، ۶۰۰ کیلومتر برای سواحل مکران و ۱۲۰۰ کیلومتر برای سواحل خلیج فارس است. استان هرمزگان با در اختیار داشتن ۸۵۰ کیلومتر (هم از سواحل خلیج فارس و هم از سواحل مکران) بیشترین میزان خط ساحلی را دارد. در هرمزگان، مدیریت معطوف به مرکز استان و بندرعباس است و سایر نقاط، از جمله جاسک، از میزان منابع و بودجه کافی برخوردار نیستند. عمده مردم مکران نیز، از گواتر تا جاسک، باور دارند که استان شدن به نفع آنها خواهد بود اما مرکز استان نشینان در زاهدان و بندرعباس با این ایده مخالف هستند و منافع خود را در تضاد با این موضوع می‌بینند.

در واقع شکوفایی اقتصادی برخاسته از اعمال هوشمندانه دیپلماسی راه، بر درون کشور نیز باید سرریز شود. شهرستان‌های جاسک و بشاگرد به همراه شهرستان کهنوج و منطقه بشاگرد در جنوب شرقی کرمان به مرکزیت جاسک، می‌توانند استان مکران غربی را تشکیل دهند. همچنین جنوب استان سیستان و بلوچستان، شامل شهرهای چابهار، نیکشهر و سرباز استان مکران شرقی به مرکزیت چابهار تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، این تغییرات استانی از این نگاه برآمده که توسعه اقتصادی برآمده از کلان‌استراتژی نوین، باید به شکوفایی اقتصاد محلی و ارتقای وضعیت درآمدی مردم استان‌های هدف، بیانجامد.



۲- تکمیل گازکشی از ایرانشهر به چابهار برای تبدیل بندر به پایانه صادرات گاز طبیعی و تکمیل گازکشی از بندرعباس به جاسک



□ براساس اسناد بالادستی قانون برنامه ششم توسعه و سند مخصوص توسعه سواحل مکران، قرار است که مکران به مرکز تولید، صنعت، تجارت و ترانزیت تبدیل شود. در این دو سند پیش‌بینی شده سواحل مکران با استقرار صنایع پتروشیمی و فولاد و استفاده از آب دریا برای آن‌ها به تولید ۴۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی و فولاد برسد. این در حالی است که چابهار هنوز لوله‌کشی گاز ندارد و پتروشیمی در این منطقه برای راه‌اندازی نیاز به خوراک دارد. تکمیل خط لوله گاز به چابهار نقش ویژه‌ای در دستیابی به اهداف اسناد بالادستی کشور در زمینه توسعه صنعتی مکران ایفا خواهد کرد.

□ با توجه به تحولات ژئوپلیتیک در جهان و نیز نیاز روزافزون کشورها به گاز طبیعی به عنوان سوختی نسبتاً ارزان و پاک در مقایسه با نفت و زغال سنگ، نیاز است که ایران در این حوزه نقش فعالانه‌تری داشته باشد. انفعال دیپلماسی و تراز تقریباً صفر به دلیل میزان تقاضای بالا در داخل باعث شده ایران نتواند به عنوان یکی از کشورهای دارای بیشترین ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی نقشی در بازار جهانی، به ویژه بازار گاز مایع (LNG) داشته باشد. در کنار این‌ها، کشوری نظیر عمان در حال واردات گاز از قطر از طریق امارات است و در سال‌های آینده نیاز بیشتری نیز به واردات گاز طبیعی پیدا خواهد کرد. ایران می‌تواند با استفاده از منابع خود و سیاستگذاری درست داخلی برای کنترل تقاضا و همچنین موقعیت جغرافیای مکران که فاصله مناسبی با عمان دارد، اقدام به صادرات گاز چه از طریق خطوط لوله و چه در قالب صادرات LNG نماید. شایان ذکر است که ایران در حال حاضر از فناوری گاز مایع و ترمینال‌های صادراتی محروم است و این مهم نیازمند همکاری تکنولوژیک با کشورهای دیگر است.

۳- ایجاد زنجیره گردشگری از گواتر-جاسک

مکران که از گواتر تا جاسک را در بر می‌گیرد، حدود ۶۰۰ کیلومتر خط ساحلی دارد و این به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین مزیت‌های منطقه به حساب می‌آید. زنجیره گردشگری از گواتر تا جاسک می‌تواند به قطب جدید ارائه ورزش‌های آبی و تفریحی برای کشور تبدیل شود. در حال حاضر این منطقه دارای بیش از ۱۰ اسکله است که می‌توان از بخشی از آنان برای کاربرد گردشگری استفاده کرد.



۴- سرمایه‌گذاری بر روی محصولات کشاورزی منطقه

کشاورزی در چابهار به صورت جالیزی و متمرکز بر چند محصول خاص است. در سال ۱۳۹۹، تقریباً ۳۷۵ هزار تن موز از هشت کشور دنیا به ارزش بیش از ۲۵۵ میلیون دلار وارد کشور شد. در چابهار، به طور ویژه منطقه زرآباد آن، محل کاشت موز است که بهای موزهای این منطقه تقریباً یک سوم موزهای متعارف زردرنگ و اندازه آن تقریباً نصف اندازه موزهای رایج و رنگش سبز می‌باشد. این موزها کاملاً مزه موزهای متعارف را دارا بوده و می‌تواند وارد سبد مصرف مردم شود. توجه ویژه به افزایش بهره‌وری در کاشت این محصول و سایر محصولات کشاورزی منطقه، از جمله گاوآ (زیتون محلی)، می‌تواند به توسعه بخش کشاورزی، اشتغال بیشتر و حفظ جمعیت بیانجامد. همچنین، تمرکز ویژه بر روی بسته‌بندی و بازاریابی این نوع محصولات می‌تواند آنها را تبدیل به میوه‌های صادراتی برای بازار کشورهای حاشیه خلیج فارس کند.





۵- گردشگری سلامت برای عمان در جاسک

جاسک نزدیک‌ترین بندر ایران به مسقط است و روابط دیرینه فرهنگی و خویشاوندی در کنار نزدیکی جغرافیایی باعث مراودات اقتصادی قابل توجه بین این دو بندر شده است. مدت‌ها است که کشورهای حاشیه خلیج فارس، به طور ویژه عمان، از خدمات باکیفیت و به‌صرفه درمانی ایران بهره می‌برند و به ویژه عمانی‌ها بیشتر از مردم شیراز یا تهران برای این منظور استفاده می‌کنند. جاسک می‌تواند ضمن تبدیل شدن به مبداء واردات کالا به عمان، به مقصد گردشگری درمانی برای این کشور نیز تبدیل شود. البته این کار پیش‌نیازهایی دارد که یکی از آنها ارائه مشوق به پزشکان و سرمایه‌گذاران بخش بهداشت و درمان خواهد بود.

۶- فاینانس راه آهن چابهار-زاهدان بر اساس مدل PPP

یکی از پروژه‌هایی که می‌تواند در افزایش تجارت و مبادلات اقتصادی چابهار نقش مهمی ایفا کند، تکمیل راه آهن چابهار-زاهدان و اتصال این بندر به شبکه ریل سراسری است. حدود ۱۰ سال از کلنگ‌زنی این پروژه می‌گذرد و بنا بر آخرین وعده‌ها قرار بوده است تا پایان سال ۱۳۹۹ این پروژه ریلی ۷۳۰ کیلومتری نهایی شود، اما بر اساس آمار رسمی و مشاهدات میدانی، تا کنون تنها حدود ۵۰ درصد از این پروژه انجام شده است. یکی از اصلی‌ترین موانع اجرای کامل این طرح مسئله تامین مالی آن است. برای کاهش فشار بر بودجه دولتی و افزایش بهره‌وری، این پروژه می‌تواند با حضور فعال‌تر بخش خصوصی و از طریق مدل شراکت خصوصی-عمومی (PPP) ادامه پیدا کند تا بتواند سریعاً به ناوگان ریلی کشور متصل شود.



افزایش ۱۷,۶۶ درصدی نسبت
به مدت مشابه سال قبل

افزایش ۲,۹۳ درصدی نسبت به
مدت مشابه سال قبل



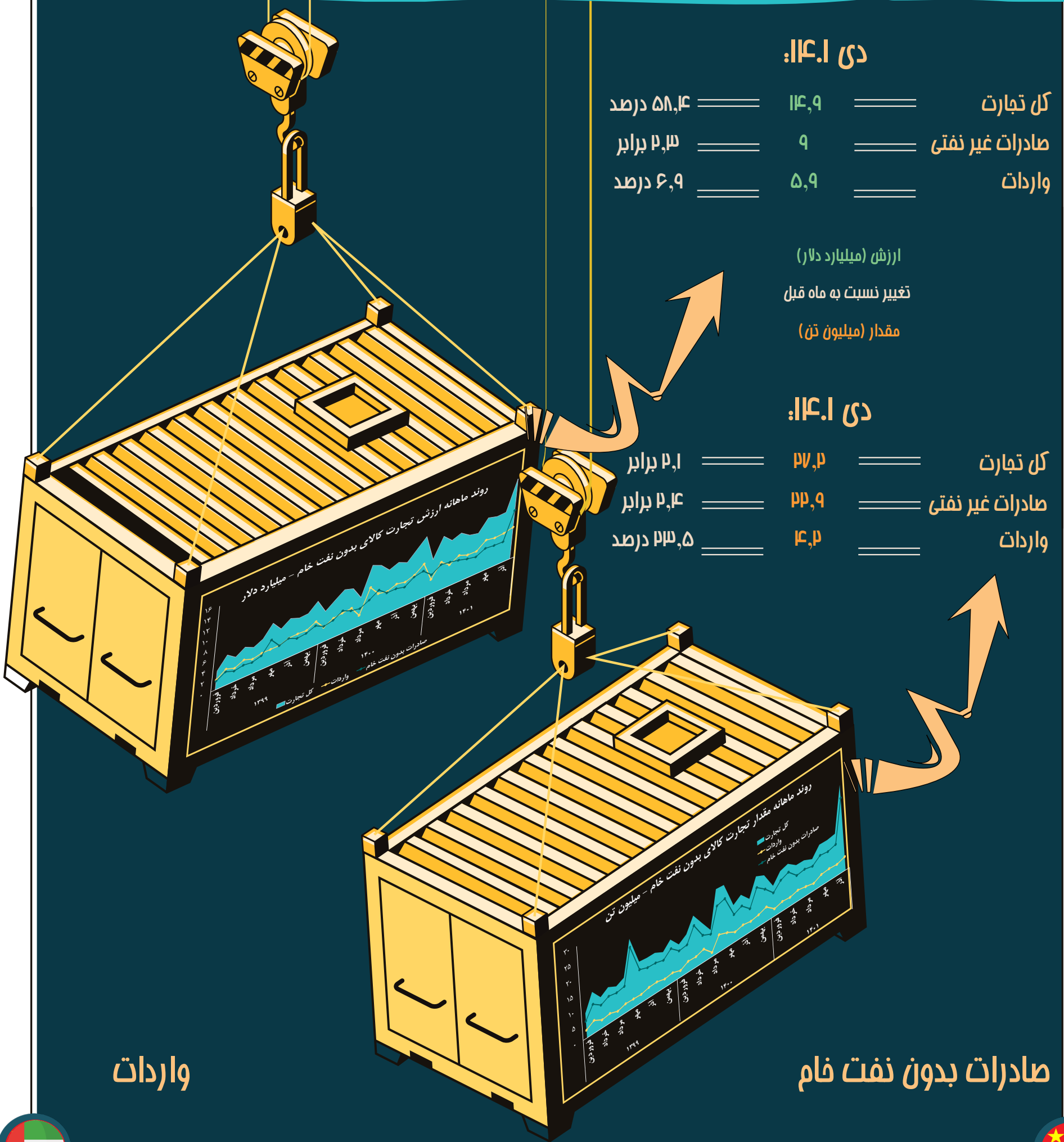
معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



ارزش (میلیارد دلار)
وزن (میلیون تن)

افزایش ۱۶,۸۶ درصدی نسبت
به مدت مشابه سال قبل
کاهش ۷,۶ درصدی نسبت به
مدت مشابه سال قبل

مروری بر تجارت کالایی ایران طی ۱۰ ماهه نخست ۱۴۰۱



دی ۱۴۰۱:

کل تجارت	۱۱۴,۹	۵۸,۴ درصد
صادرات غیر نفتی	۹	۲,۳ برابر
واردات	۵,۹	۶,۹ درصد

ارزش (میلیارد دلار)

تغییر نسبت به ماه قبل

مقدار (میلیون تن)

دی ۱۴۰۰:

کل تجارت	۲۷,۲	۲,۱ برابر
صادرات غیر نفتی	۲۲,۹	۲,۴ برابر
واردات	۴,۲	۲۳,۵ درصد

واردات

صادرات بدون نفت خام

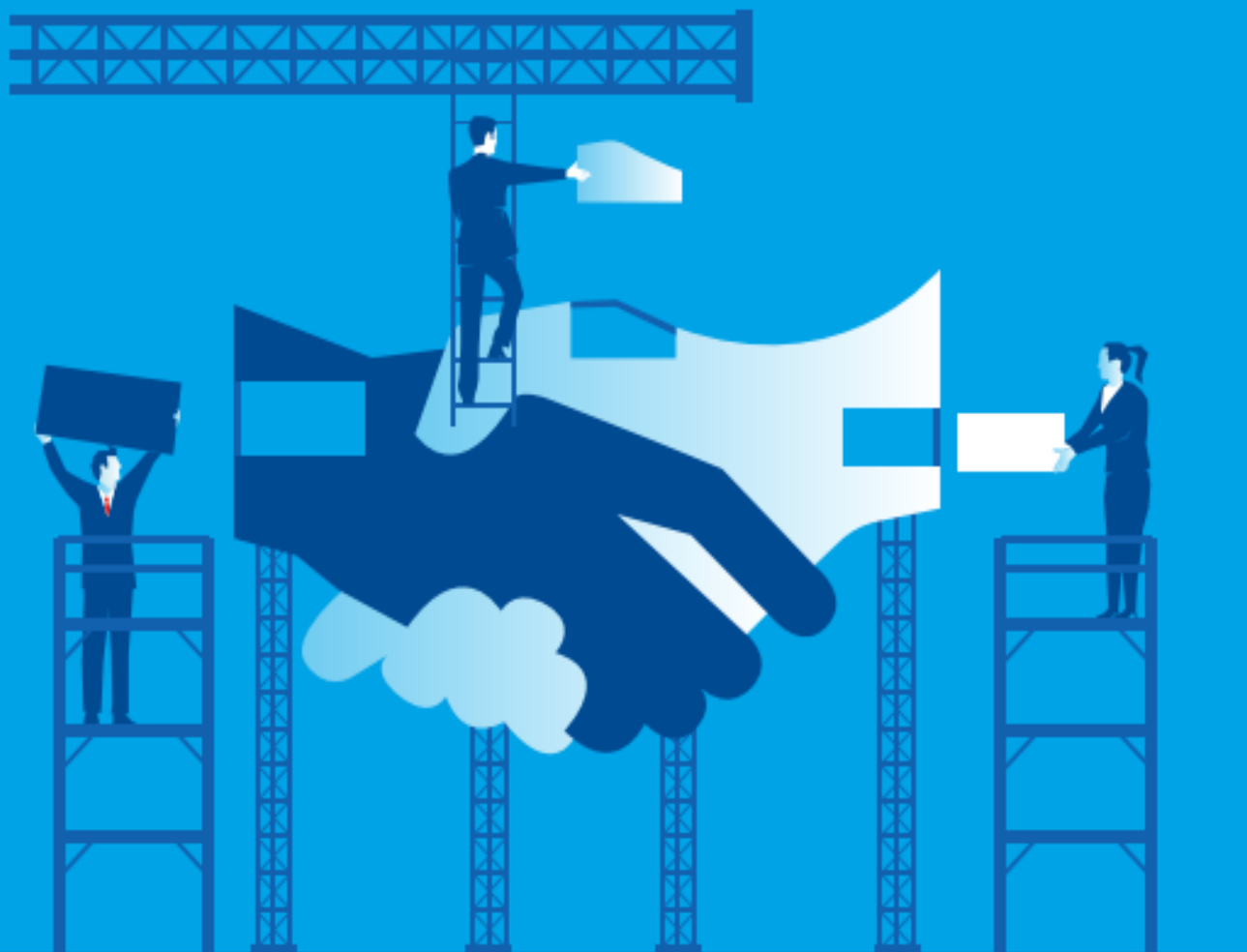
امارات متحده عربی	۱۵ میلیارد دلار	چین	۱۲,۶ میلیارد دلار
چین	۱۲,۷ میلیارد دلار	عراق	۸,۹ میلیارد دلار
ترکیه	۵,۱ میلیارد دلار	ترکیه	۶,۶ میلیارد دلار
هند	۲,۴ میلیارد دلار	امارات متحده عربی	۴,۸ میلیارد دلار
آلمان	۱,۵ میلیارد دلار	هند	۱,۶ میلیارد دلار

شرکای عمده تجاری ایران طی ۱۰ ماهه نخست ۱۴۰۱



آمادگی بنگاه‌های کوچک و متوسط

برای مواجهه با آینده



معاونت بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



منابع: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد با عناوین

The big opportunity behind small businesses

Future Readiness of SMEs and Mid-Sized Companies: A Year On

ترجمه و تنظیم‌کننده: پریسا مطرانلویی

ناظر: سارا محمدی

واحد پژوهش و مطالعات اقتصادی معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بهمن ۱۴۰۱

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

researchcenter@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط ۹۰ درصد از تعداد کل بنگاه‌های جهان را تشکیل می‌دهند و تقریباً ۷۰ درصد از اشتغال و تولید ناخالص داخلی (GDP) در سراسر جهان توسط این بنگاه‌ها خلق می‌شود. تحقیقات اخیر مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و بنگاه‌های میانی، مبارزه برای بقا را به عنوان چالش اصلی خود قلمداد می‌کنند. دیجیتالی‌شدن، ارتقای پایداری و حفظ و توسعه استعدادها از محورهای اصلی هستند که می‌تواند آمادگی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) را برای مواجهه با آینده بهبود دهد.

دیجیتالی شدن در تجارت و امور مالی می‌تواند تاثیر زیادی بر افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت و ارتقای شفافیت SMEها داشته باشد. نظرسنجی انجام شده توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) نشان می‌دهد که دیجیتالی‌سازی می‌تواند هزینه‌های مالی تجارت را تا ۳۵ درصد کاهش دهد.

پایداری: تخمین زده می‌شود که بنگاه‌های کوچک و متوسط و میانی، در مجموع تا ۷۰ درصد از آلودگی جهانی را تولید می‌کنند. در حالی که SMEهای تولیدی ۶۴ درصد از آلودگی هوا را موجب می‌شوند، تنها ۰.۴ درصد از این بنگاه‌ها از سیستم مدیریت زیست محیطی پیروی می‌کنند.

دستیابی به استعدادها و حفظ آنها یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی همه بنگاه‌هاست. اگرچه همه بنگاه‌های بزرگ و کوچک به نوعی با استراتژی‌های گوناگون مدیریت استعداد درگیر هستند، ولی عموماً ریسک‌ها برای بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشتر است، زیرا آنها تا حد زیادی به تعداد محدودی از کارکنان جهت اداره امور متکی هستند و در هنگام استعفا و یا از دست دادن کارکنان کلیدی، می‌باید مبارزه و تلاش بیشتری برای حفظ و بهبود وضعیت، کنند.

طبقه‌بندی بنگاه‌های کوچک، متوسط و میانی

بر اساس طبقه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد، بنگاه‌های اقتصادی بر اساس دو معیار **تعداد کارکنان و گردش مالی سالانه** به ۵ دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱- کارآفرینان مستقل

۲- بنگاه‌های خرد

۳- بنگاه‌های کوچک و متوسط

۴- بنگاه‌های میانی

۵- بنگاه‌های بزرگ



طبقه‌بندی بنگاه‌های کوچک، متوسط و میانی – ادامه

کارآفرینان
مستقل

بنگاه‌های
خرد

کمتر از ۱۰ نفر کارکن
و حداکثر گردش مالی
سالانه ۱ میلیون دلار

بنگاه‌های کوچک
و متوسط

کوچک: کمتر از ۴۹ نفر کارکن و/یا حداکثر
گردش مالی سالانه ۵ میلیون دلار
متوسط: ۵۰ تا ۲۵۰ نفر کارکن و/یا حداکثر
گردش مالی سالانه ۵۰ میلیون دلار

بنگاه‌های میانی

۲۵۰ تا ۴۹۹۹ نفر کارکن و/یا حداکثر
گردش مالی سالانه ۱.۷۵ میلیارد دلار

بنگاه‌های بزرگ

بیش از ۵۰۰۰ نفر کارکن و/یا
حداقل گردش مالی سالانه
۱.۷۵ میلیارد دلار



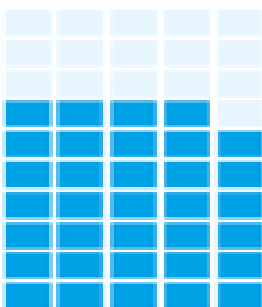
بنگاه‌های کوچک و متوسط در خط مقدم آشفته‌گی‌های جهانی

دوران پسا کووید به طور قابل توجهی چالش برانگیزتر از آن چیزی است که اکثر مردم در ابتدا انتظار داشتند. تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک، بحران انرژی، اختلالات زنجیره تامین، تورم شدید و رخدادهای گسترده آب و هوایی تنها برخی از مشکلاتی هستند که دهه آینده را به یک دهه سخت تبدیل می‌کند. بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و بنگاه‌های میانی، اغلب در خط مقدم مواجهه با چنین تلاطماتی هستند. در واقع، برخی تخمین‌ها نشان از تعطیل شدن حدود یک سوم مشاغل کوچک در نتیجه همه‌گیری کووید ۱۹ و تعطیلی دائمی آنها به دلیل شوک این همه‌گیری دارند. این موضوع باعث می‌شود که بسیاری از بنگاه‌های باقی مانده بر بقا و رشد خود تمرکز کنند، که به نوبه خود اغلب مانع از توجه آنها به سایر عناصر ضروری برای رشد بلندمدت می‌شود.

بر اساس نظرسنجی انجام شده، چالشی که ۶۷ درصد از مدیران بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و بنگاه‌های میانی، را به خود مشغول کرده، بقا و گسترش است و تقریباً نزدیک به نیمی از بنگاه‌های مزبور (۴۸ درصد)، دسترسی به استعدادهای مورد نیاز و حفظ آن را به عنوان یکی از چالش‌های اصلی خود مطرح می‌کنند. در مقابل، تنها ۲۵ درصد از آنها فناوری و نوآوری را به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی تمرکز خود عنوان کرده و همچنین تنها ۷ درصد از بنگاه‌های بنگاه کننده در نظرسنجی، پایداری را به عنوان یک چالش کلیدی خود می‌دانند.

چالش‌های اصلی مدیران بنگاه‌های کوچک و متوسط و بنگاه‌های میانی

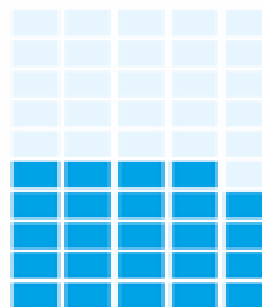
۶۷%



بقا و گسترش

حفظ و رشد کسب و کار، حاشیه‌های کم، چالش‌های گسترش کسب و کار و گسترش به بازارها و مشتریان مصرف‌کنندگان جدید

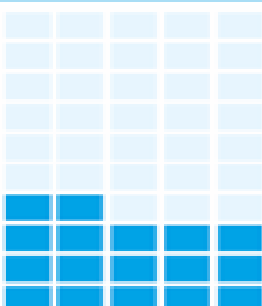
۴۸%



استعداد

استعداد انسانی، حفظ استعداد، منابع محدود برای ارتقاء مهارت و آموزش و توسعه کارکنان

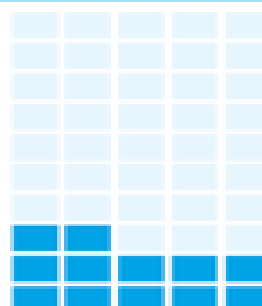
۳۴%



فرهنگ و ارزش‌ها

اهمیت و دشواری حفظ فرهنگ قوی و هدف و ارزش‌های صریح شرکت

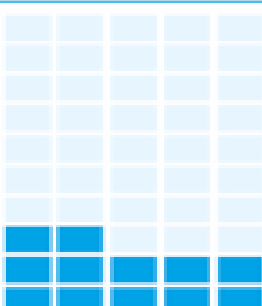
۲۵%



فناوری و نوآوری

داشتن محصولات و نوآوری مطابق با تقاضاهای تکنولوژیکی فعلی بازار، توسعه و اجرای فرآیندهای تکنولوژیکی مانند اتوماسیون و تحول دیجیتال

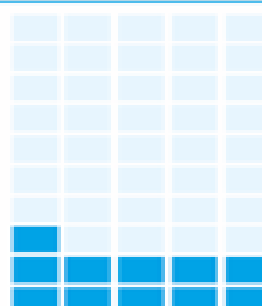
۲۴%



تامین مالی و دسترسی به سرمایه

سطوح پایین کسادی مالی و مشکل در دسترسی به بودجه مقرون به صرفه

۲۲%



فضای سیاسی

موانع سیاسی و محیط نظارتی از جمله مالیات و تورم بالا، تشریفات اداری و فساد و همچنین دشواری پیگیری و رعایت مقررات در حال تغییر

آمادگی برای آینده



آمادگی برای آینده به عنوان مجموعه‌ای از رویکردها، قابلیت‌ها و جهت‌گیری‌ها تعریف می‌شود که بنگاه‌ها را قادر می‌سازد در آینده شکوفا شوند.

آمادگی برای آینده شامل سه رکن اصلی است:

- **رشد بلندمدت:** توانایی ایجاد قدرت مالی پایدار که توسط مدل‌های تجاری، محصولات و یا خدمات نوآورانه ایجاد می‌شود.
- **تأثیر اجتماعی:** توانایی پرداختن به اثرات خارجی بالقوه مثبت و منفی و با توجه به اینکه نتایج هر کسب و کار به طور مثبت و در راستای اهداف محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر جامعه تأثیرگذار است.
- **ظرفیت تطبیق:** توانایی توسعه سطوح بالایی از انعطاف‌پذیری و چابکی که بنگاه را قادر می‌سازد تا فرصت‌ها را در زمان بروز، شناسایی نموده و از آنها استفاده کند و در مدل‌های تجاری آینده تأثیرگذار باشد.

ظرفیت تطبیق:

چابکی	تاب آوری
<p>بنگاه‌های کوچک‌تر تمایل دارند کانال‌های ارتباطی کمتر و مستقیم‌تری بین بخش‌ها و رهبران سازمان داشته باشند. این رویه به آنها اجازه می‌دهد تا واکنش موثرتر و سریع‌تری داشته باشند و پاسخگویی بهتری به نیازهای فعلی بازار از خود نشان دهند.</p>	<p>در مواقع بحران، سازمان‌ها به منابع مالی و اجتماعی مازاد نیاز دارند که به آن منابع کمکی می‌گویند. در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ‌تر، بنگاه‌های کوچک‌تر تمایل دارند به منابع مالی، نیروی کار ماهر و زیرساخت‌ها دسترسی داشته باشند تا به آنها برای سرپاماندن در طول بحران‌ها کمک کند.</p>





رهبری و استعداد به عنوان فرا محرک‌های آمادگی آینده

رهبری:

یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود رهبری قابل اعتماد، تأثیر مثبت و معناداری بر هر سه رکن آمادگی آینده بنگاه دارد. رهبری قابل اعتماد پیش‌بینی‌کننده قوی رشد مالی بلندمدت، تأثیر اجتماعی و ظرفیت تطبیقی است. با این حال، در حالی که وجود رهبران معتمد ضروری است و به شدت بر آمادگی آینده بنگاه‌ها تأثیرگذار است، ولی کافی نیست.

تناسب استعدادها:

استعداد باید به عنوان دارایی اصلی برای بنگاه‌های کوچک‌تر در نظر گرفته شود. در این زمینه، افراد «مناسب» به هدف بنگاه باور دارند، با دیگران همکاری می‌کنند و ویژگی‌های مکملی مانند تدبیر و اشتیاق در ایفای نقش‌های خود دارند. این به این معنا نیست که افراد در بنگاه‌های بزرگ‌تر به عنوان یک دارایی در نظر گرفته نمی‌شوند، و یا مهارت‌ها در ارتباط با استعدادها کاملاً بی‌اهمیت هستند. با این حال، با کمبود منابع مالی برای پیشنهاد حقوق و مشوق‌های رقابتی، استخدام و آموزش افراد مناسب برای مشاغل کوچک‌تر، بسیار مهم است. بنگاه‌های کوچک‌تر نیز تمایل بیشتری به استخدام افراد کم‌صلاحیت دارند که خواهان بسته‌های پاداش کمتری هستند. این باور ناشی از این است که مهارت‌های سخت را می‌توان توسعه داد در حالی که تأثیرگذاری بر سازگاری فرهنگی دشوارتر است. هر چه اندازه سازمان کوچک‌تر باشد، عوامل مرتبط با تناسب استعدادها در استخدام نیروهای انسانی اهمیت بیشتری دارد.

محرك‌های آمادگی آینده



* حکمرانی شامل پنج بعد است: هدف و استراتژی حکمرانی، کیفیت بدنه حکمرانی، مشارکت ذینفعان، رفتار اخلاقی، نظارت بر ریسک و فرصت

بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) و بنگاه‌های میانی، بسته به سطح بلوغ خود، می‌توانند از موارد زیر برای تقویت انعطاف‌پذیری استفاده کنند:

- **ظهور:** وجود رهبرانی قابل اعتماد در بنگاه‌ها به طور مثبت و قوی بر آمادگی آینده آنها تأثیر می‌گذارد. آنها با چشم‌انداز و ارزش‌ها، خودآگاهی، خودتنظیمی، الگوبرداری مثبت و تشویق اصالت، رهبری می‌کنند. آنها تمایل به توانمندسازی کارکنان دارند که متعاقباً موجب افزایش تلاش کارکنان برای انجام مأموریت سازمانی آنها می‌شود.
- **توسعه:** تناسب استعدادها باید به عنوان محرک اصلی انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری برای بنگاه‌های کوچک‌تر درک و در نظر گرفته شود. در این زمینه، افراد «مناسب» به هدف بنگاه اعتقاد دارند، با دیگران همکاری می‌کنند و در ایفای نقش‌های خود ویژگی‌های مکمل مانند تدبیر و اشتیاق دارند. بنگاه‌های کوچک‌تر می‌توانند به ارزش‌ها متوسل شوند و محیطی همسو با این ارزش‌ها فراهم کنند.
- **تحکیم:** در حالی که وجود هماهنگی میان رهبران و استعدادها به طور قابل توجهی بر انعطاف‌پذیری و آمادگی آینده بنگاه‌های کوچک‌تر تأثیر می‌گذارد، بنگاه‌های بالغ‌تر باید بر روی توسعه چارچوب‌های کسب و کار مانند جهت‌گیری، انعطاف‌پذیری مدل کسب و کار، شبکه‌ها، زیرساخت‌های دیجیتال و حکمرانی تمرکز کنند.



مجمع جهانی اقتصاد چگونه به ایجاد یک سیستم مالی کارآمدتر، انعطاف پذیرتر، فراگیرتر و عادلانه تر کمک می کند؟

تشخیص و بررسی تأثیر محیط سیاست گذاری بر توانایی بنگاهها برای پیشرفت بسیار حائز اهمیت است. سیاست گذاران، سرمایه گذاران و سایر ذینفعان باید اطمینان حاصل کنند که از حداکثر توانشان برای کمک به ایجاد آمادگی برای آینده استفاده می کنند.

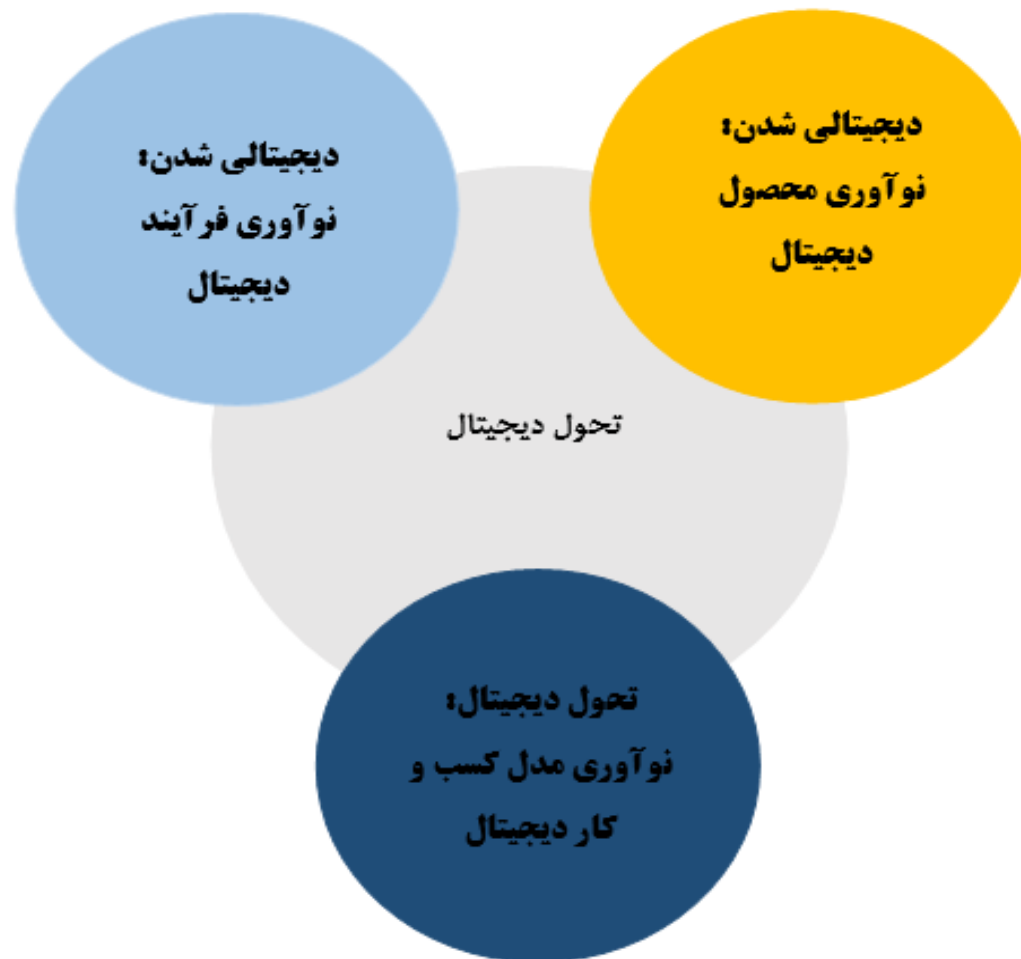
بنگاههای کوچک و متوسط (SMEs) و بنگاههای میانی، قابلیت و نقاط قوت منحصر به فردی برای تغییر مدل های کسب و کار خود برای آماده سازی آینده دارند و می باید به آنها کمک شود تا به پتانسیل کامل خود برسند.

مجمع از بینش های ایجاد شده در این کار برای حمایت بیشتر از بنگاههای کوچک و متوسط (SMEs) و بنگاههای میانی در مسیر آمادگی آنها برای آینده استفاده خواهد کرد. که این شامل خود ارزیابی آمادگی آینده و ابزار معیار، ایجاد یک جامعه دیجیتالی از بنگاههای کوچک و متوسط برای یادگیری متقابل بنگاهها و همچنین ملاقات با کارشناسان است.



تحول دیجیتال

دیجیتالی شدن می‌تواند تاثیر زیادی در تجارت و امور مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، از جهت افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت و ارتقای شفافیت داشته باشد. با کمک تجزیه و تحلیل داده‌ها، بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند مدل تولید خود را تعدیل نموده و بهره‌وری را افزایش دهند. پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند بنگاه‌های کوچک و متوسط را قادر به دسترسی به خدمات بهتر و تخصصی‌تر و در عین حال رشد کسب و کار خود در بازارهای جدید بدون تحمیل بار اجرایی قابل توجه، کنند. نظرسنجی انجام شده توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) نشان می‌دهد که دیجیتالی‌سازی می‌تواند هزینه‌های مالی تجارت را تا ۳۵ درصد کاهش دهد.





تحول دیجیتال – توصیه‌هایی برای رهبران کسب و کارها و سیاست‌گذاران

رهبران کسب و کار:

- راه‌اندازی و اجرای مدل‌های کسب و کار دیجیتال بر اساس استراتژی دیجیتالی شفاف
- تعیین یک سخنگو برای بسیج کارکنان و تحریک انگیزه و تمایل آنها برای پیوستن به آن
- دیجیتالی کردن اطلاعات برای ایجاد داده‌های موردنیاز
- جمع‌آوری داده‌های مرتبط و اطمینان‌یابی از شفافیت داده‌ها برای هدایت نوآوری محصول یا خدمات

سیاست‌گذاران:

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال از طریق دارا بودن استراتژی ملی منسجم برای مبارزه با مسائل امنیت سایبری

رسیدگی به بحران انرژی

- بنگاه‌های کوچک‌تر نیز می‌توانند از کاهش بوروکراسی سود ببرند. مطالعه BVMW نشان داده که ۸۰ درصد از بنگاه‌های کوچک و متوسط خواستار کاهش بوروکراسی و مقررات زدایی برای تسهیل رویه‌ها هستند. تسهیل فرآیندها از طریق تحول دیجیتالی بنگاه‌ها می‌تواند به آنها در ارائه راه‌حل‌های دیجیتال و استفاده از فناوری برای افزایش کارایی در مدل کسب و کار و زنجیره تامین و برنامه پایداری کمک کند.

پایداری

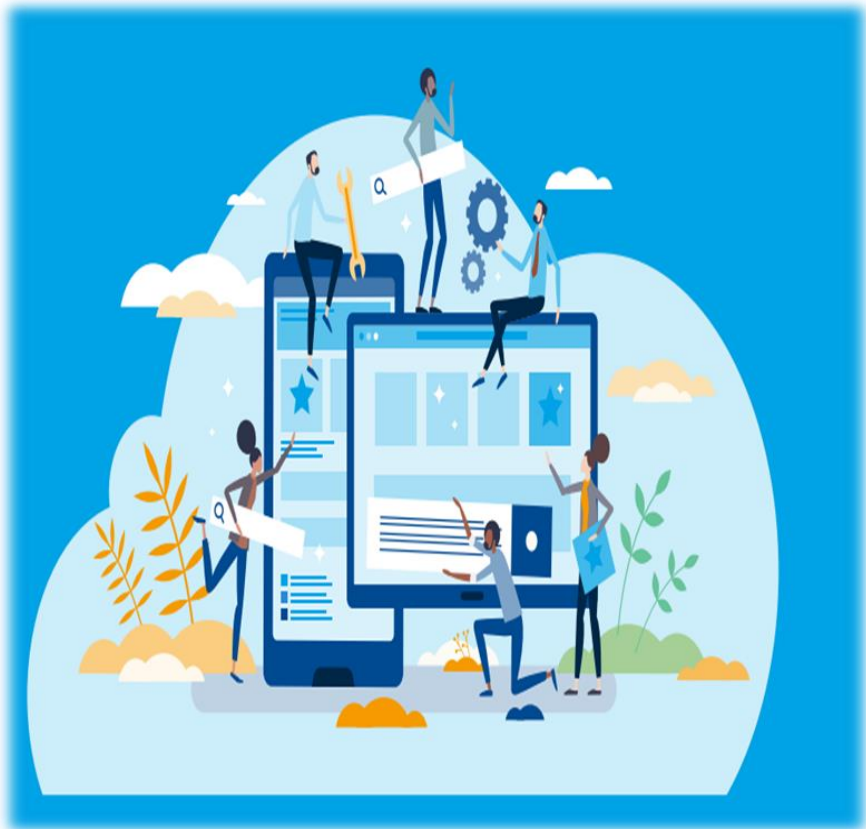


نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در محیط زیست پایدار

تخمین زده می‌شود که بنگاه‌های کوچک و متوسط و میانی، در مجموع تا ۷۰ درصد از آلودگی جهانی را تولید می‌کنند. در حالی که SMEهای تولیدی ۶۴ درصد از آلودگی هوا را موجب می‌شوند، تنها ۰.۴ درصد از این بنگاه‌ها از سیستم مدیریت زیست محیطی پیروی می‌کنند.

طبق گزارش آژانس محیط زیست بریتانیا، از هر ده حادثه آلودگی هشت مورد توسط بنگاه‌های کوچک‌تر رخ می‌دهد.

بر اساس گزارش‌هایی که پس از کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد COP26 منتشر شد، هدف کشورها برای کربن‌زدایی تا سال ۲۰۵۰ قابل دستیابی نیست مگر اینکه بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز در برنامه‌های کاهش کربن بنگاه‌های بزرگتر مشارکت و جزء عوامل آن قرار گیرند. در حالی که بسیاری از سازمان‌های بزرگ ابتکارات پایداری و کم‌کربن را راه‌اندازی کرده‌اند، این موارد هنوز در بنگاه‌های کوچک و متوسط، غیررایج بوده یا هنوز به بلوغ نرسیده‌اند.





ارتباط سطح بلوغ با اقدامات برای دستیابی به عملکرد تجاری پایدار

سطح بلوغ	فاز	حوزه های تمرکز	مخارج سرمایه ای	صرفه جویی در انرژی، کاهش هزینه های عملیاتی	دوره ی باز پرداخت	موضع گیری بنگاه
پایین	هنوز به پایداری نمی اندیشد	روشنایی، سرمایه ش، گرمایش و تغییر تاسیسات	کم	متوسط	کوتاه	/
پایین تا متوسط	در مورد شیوه های پایداری نمی اندیشد	تغییر در ابزارها در فرآیندهای مختلف	متوسط	قابل توجه	کوتاه	/
متوسط	برخی از شیوه های پایدار اجرا شده است، اما به راهنمایی بیشتری نیاز دارند.	منابع انرژی تجدیدپذیر	متوسط	قابل توجه	کوتاه	یک سرمایه گذار زیست محیطی در اکوسیستم شوید که باعث افزایش شهرت برند می شود.
متوسط تا بالا	مبتکر محصول	ماشین آلات کارآمد انرژی	بالا	قابل توجه	متوسط	مسیرهای اقتصادی جدید باز می شود. در بخش خود یک مبتکر شوید.
بالا	تمرکز بر پاسخگویی	تحول سازمانی از طریق فناوری، فرآیندها، تغییرات ساختاری و فرهنگی	بالا	نسبتا طولانی		به یک قهرمان پایداری/مشاور سبز SME تبدیل شوید.



پایداری – توصیه‌هایی برای رهبران کسب و کارها

برای اتخاذ سیستماتیک شیوه‌های کم‌کربن و متحول شدن، بنگاه‌های کوچکتر به مهارت‌ها، تخصص و شایستگی‌هایی در نیروی کار خود نیاز دارند که ظرفیت تحول سازمانی را افزایش دهد.

– ایجاد مکانیسم‌هایی که به اشتراک‌گذاری دانش، هم‌آفرینی (خلق مشترک) و تبادل بین کارکنان را با تمرکز بر شیوه‌های دوست‌دار محیط زیست، مدل‌های کسب و کار چرخشی، مهندسی مجدد فرآیندهای کسب و کار و زمینه‌های پیاده‌سازی در فعالیتهای تجاری و جریان‌های کاری موجود، تسهیل می‌کند.

– حرکت به سمت فرهنگ سازمانی که هماهنگی بین بخشی، همکاری بین رشته‌ای، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، ریسک‌پذیری، و ذهنیت چابک، تجربی و سازگار را ممکن می‌سازد.

– برای استانداردسازی فرآیند (مثلاً استفاده از ISO 14000) برنامه‌ریزی کنید و در عین حال از شیوه‌های کم‌کربن و پایدار استفاده کنید.

– ایجاد ظرفیت در سطح جامعه و منطقه از طریق ذینفعان (متخصصان صنعت، دانشگاهیان، سیاست‌گذاران و مشتریان نهایی).

– رفاه کارکنان باید در اولویت قرار گیرد زیرا عملکردهای اقتصادی و زیست‌محیطی به توانایی کارکنان برای ایجاد پویایی SMEها در ایجاد نوآوری و پذیرش تغییر بستگی دارد.

علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌های پایدار باید بر ارتقای مهارت کارکنان متمرکز شود و خلق اشتغال جدید باید به عنوان معیاری برای عملکرد اجتماعی SMEها در نظر گرفته شود.



پایداری – توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاران

سیاست‌گذاران باید زمینه بازی برابر را از طریق تنظیم و اعمال مقررات سیاستی در رابطه با شیوه‌های پایدار و سبز ایجاد کنند.

– دولت‌ها باید در تسهیل فرآیندها و به رسمیت شناختن گواهینامه‌های مرتبط با فرآیندهای فناورانه و طرح‌های پایداری حمایت کنند.

– سیاست‌گذاران باید مشروعیت این گواهی‌ها را در اجازه فعالیت به کسب و کارهای داخلی و بین‌المللی به رسمیت بشناسند.

– سیاست‌گذاران باید استانداردهای یکسانی را ارائه کنند که بر اساس آن ابتکارات بنگاه‌ها در حوزه پایداری اندازه‌گیری می‌شود. به عنوان مثال، اقدامات مربوط به اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی معمولاً تمایل دارند به صورت تک‌موردی (برای موضوع خاصی) باشند که در حال حاضر توسط گروه‌های کوچکتری از ذینفعان اختصاصی توسعه یافته است.

– ارائه دستورالعمل‌های روشن‌تر در مورد چگونگی اندازه‌گیری تأثیر اجتماعی در سراسر زنجیره ارزش، و اختصاص منابع برای اندازه‌گیری تأثیرات پایداری به ویژه در صنایع گوناگون.

– مؤسسات مالی در شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط پایدار از طریق نرخ‌های بهره پایین‌تر نقش دارند. همچنین سهامداران می‌توانند بنگاه‌های کوچک و متوسط پایدار را با سرمایه‌گذاری صبورانه هدف قرار دهند.

این توصیه‌ها برای یک استاندارد ملی یا احتمالاً جهانی اقدامات قابل انجام بنگاه‌های کوچک و متوسط برای افزایش جنبه پایداری در آینده را مشخص می‌کند. بنگاه‌های کوچک و متوسط همچنان با محدودیت‌های اعتباری جدی مواجه هستند که با الزامات سختگیرانه شناسایی مشتری توسط مؤسسات اعتباری و لزوم انطباق با مقررات ضد پولشویی مؤسسات مالی، همراه است. به طور متوسط، ۴۵٪ از درخواست‌های تأمین مالی تجاری بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط بانک‌ها رد می‌شود، در حالی که این نرخ برای بنگاه‌های بزرگ و چندملیتی ۱۷٪ است.



استعداد



اگرچه همه بنگاه‌های بزرگ و کوچک به نوعی با استراتژی‌های گوناگون مدیریت استعداد درگیر هستند، ولی عموماً ریسک‌ها برای بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشتر است، زیرا آنها تا حد زیادی به تعداد محدودی از کارکنان جهت اداره امور متکی هستند و در هنگام استعفا و یا ازدست‌دادن کارکنان کلیدی، می‌باید برای حفظ و بهبود وضعیت، مبارزه و تلاش بیشتری کنند. چالش‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط در زمینه استعداد عبارتند از :

۱. بنگاه‌های کوچک و متوسط به کارکنان بسیار سازگار نیاز دارند.

۲. بنگاه‌های کوچک و متوسط، رویه‌های رسمی کمتری در حوزه منابع انسانی دارند.

۳. بنگاه‌های کوچک و متوسط و میانی در بازار کار کمتر مشاهده می‌شوند زیرا یکی از دغدغه‌های مهم آنها ضرورت تلاش و مبارزه برای یافتن کارکنانی با سطوح دستمزد و مزایای رقابتی است.

توصیه‌های مدیریت استعداد در سال‌های اخیر

بنگاه‌ها در هر اندازه‌ای، شروع به درک و پذیرش مفهوم مدیریت استعداد (به آن دسته از کارکنان ماهر اولویت می‌دهد که به بهترین وجه برای کمک به رشد و مزیت رقابتی بنگاه کمک کنند) کرده‌اند. مدیریت استعداد، رویکرد یک بنگاه به اشتغال را از حوزه مدیریت صرف بیرون کشیده و آن را در استراتژی کسب و کار ادغام نموده و ضرورت استعداد برای دستیابی به نقاط عطف بنگاه را برجسته می‌کند. بنگاه‌های کوچک و متوسط برای بهبود مدیریت استعدادهای سازمان خود، باید بر حوزه‌هایی تمرکز کنند که در آن مزیت نسبی دارند.



بر اساس مطالب کتاب Village Capital اشتباه عمده‌ای که مدیران بنگاه‌ها مرتکب می‌شوند، استخدام نیروی انسانی موردنیاز برای مرحله‌ای است که در آن هستند، نه برای مرحله‌ای که می‌خواهند به آن برسند. همچنین در این کتاب آمده است که سرمایه‌گذاران چالش استعدادها را تشخیص می‌دهند و استراتژی استعدادیابی بنگاه را هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری به طور جدی در نظر می‌گیرند. این کتاب توصیه می‌کند که بهتر است بنگاه‌ها هنگام بررسی استخدام نیروی جدید هفت سوال زیر از خود بپرسند:

پنج کار بزرگی که باید در ۱۸ تا ۲۴ ماه آینده انجام دهید چیست؟

چه مهارتی با هریک از موارد فوق، مرتبط است؟

کدام مهارت‌ها در داخل سازمان وجود دارند؟ کدام مهارت‌ها را باید پیدا کنید؟ (استخدام جدید، مشاور، سرمایه‌گذار)

تقریباً چه مدت زمانی به این مهارت‌ها نیاز خواهید داشت؟

چه نوع پیشینه/ تجاربی می‌تواند مهارت‌های مورد نیاز را فراهم کند؟

برای دستیابی به نقاط عطف کسب و کار به چه دیدگاه‌هایی در تیم سازمان خود نیاز دارید؟

موفقیت در این موقعیت جدید چگونه خواهد بود؟

امنیت روانی

امنیت روانی به محیطی اطلاق می‌شود که در آن بیان ایده‌ها و نظرات بدون قضاوت یا عواقب، برای اعضای سازمان ایمن است. در یک محیط امن از نظر روانی، کارکنان اجازه دارند در عین حال که می‌توانند اشتباهات را بپذیرند، با هم یاد بگیرند، پیشرفت کنند و ریسک کنند. نتایج بررسی‌های مجمع جهانی اقتصاد تایید می‌کند که وجود رهبرانی قابل اعتماد به ایجاد این محیط برخوردار از امنیت روانی که تأثیرات سازمانی مثبتی بر ارتقای آمادگی برای آینده دارد، کمک می‌کند.

ارتقاء مهارت و پویایی را در اولویت قرار دهید:

مطالعه انجام شده توسط Deloitte نشان داده که رایج‌ترین دلیلی که یک نفر نیروی شاغل در سازمان به ترک یک بنگاه فکر می‌کند، عدم پیشرفت شغلی است. ارائه‌دهندگان خدمات پشتیبانی کسب و کارها می‌توانند نقش مهمی در تجهیز بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ایجاد ابتکارات آموزشی و توسعه با کیفیت از طریق حمایت مالی و فنی ایفا کنند.





ویژگی‌های فرهنگ مسیر شغلی "مبتنی بر رشد"

رویکردهای عملی

- چندین مسیر شغلی منعطف را ارائه دهید که تجارب جذابی را برای جذب و حفظ استعدادها ارائه می‌دهد، به طور مثال سازمان‌ها باید مسیرهایی را برای مشارکت‌کنندگانی که اشتیاق مدیریت ندارند، ایجاد کنند.
- از همکاری مداوم با کارکنان برای رسیدن به راه‌حل‌هایی متناسب با نیازهای تجاری و خواسته‌های فردی آنان استفاده کنید.

مسیرهای قابل توافق

- به کارکنان با عملکرد بالا، با ارتقای معنادار پاداش دهید.

- فرصتهایی برای کارکنان برای کار در کشورهای دیگر فراهم کنید.

- چشم‌انداز پیشرفت شغلی در بازارهای نوظهور که عناوین شغلی و رتبه‌ها ارزش فرهنگی قابل توجهی دارند بسیار مهم است.

پیشرفت کارکنان

- ایجاد آگاهی در مورد فرصت‌های موجود در سازمان با استفاده از برنامه‌های مشاوره و آگهی‌های شغلی

- راهنمایی کارکنان در ایجاد مسیرهای شغلی خود از طریق مسیرهای عمومی و اختصاصی توسعه‌ای انعطاف‌پذیر

رهبری و برنامه‌ریزی



- ❑ رهبران بنگاه‌های کوچک و متوسط باید بر پرکردن شکاف تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری خود با سایر بنگاه‌ها و همچنین بهره‌برداری از سطح بالای چابکی ناشی از اندازه کوچک‌ترشان، به عنوان یک مزیت رقابتی تمرکز کنند.
- ❑ ایجاد قابلیت‌ها برای آمادگی آینده نباید به عنوان ابتکارات موقت توسعه یابد، بلکه باید در استراتژی‌های کلیدی بنگاه و فرآیندهای تصمیم‌گیری، به طور ایده‌آل از ابتدا گنجانده شود، به طوری که بخشی از زیربنای اصلی بنگاه، محسوب شود.
- ❑ داشتن ایده‌های عملی و عمل‌گرایانه در مورد چگونگی آغاز این فرآیند و همچنین داشتن گروهی از هم‌تایان برای به اشتراک‌گذاری غیررسمی‌تر تجارب، شکست‌ها و بهترین شیوه‌های عملکردی، بسیار ارزشمند خواهد بود.
- ❑ با توجه به اینکه بنگاه‌های کوچک‌تر راه طولانی‌تری در ایجاد آمادگی آینده خود دارند، مهم است که تأثیر مستقیم و مهمی را که محیط سیاسی گسترده‌تر آنها بر توانایی آنها برای پیشرفت دارد، بشناسیم. بنابراین برای سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان بسیار مهم است که هر چه در توان دارند برای کمک به ایجاد آمادگی آینده این بخش از اقتصاد انجام دهند.
- ❑ یکی از حوزه‌های تاثیرگذار مداخله‌گری در سطوح سیستم، حول تجارت دیجیتال می‌چرخد که شامل اجرای اقدامات هدفمند برای هماهنگ‌سازی و هدایت قابلیت همکاری داده‌های تجاری در سراسر مرزها و زنجیره‌های تامین است. این امر تا حد زیادی به تسهیل تجارت بین‌الملل برای بنگاه‌های کوچک‌تر کمک می‌کند.



تسهیل تجارت با استفاده از ابزارهای دیجیتال



بهمن ۱۴۰۱

معاونت بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه کننده: مهسا رجبی نژاد

ناظر: سارا محمدی و عاطفه قاسمیان

واحد گردآوری و تحلیل آمارهای اقتصادی

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بهمن ۱۴۰۱

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

economic.tccim@gmail.com

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب



در حال حاضر، جهان در حال گذار از یک دوره صنعتی متکی بر منابع طبیعی به سوی یک دوره متکی بر دانش مبتنی بر مهارت‌ها، آموزش، پژوهش و توسعه است. در این میان، ظهور فناوری‌های ارتباطی جدید، امکان شکل‌دهی اقتصاد جهانی را فراهم می‌آورند. فعالیت‌های تجاری در یک مکان می‌توانند فعالیت‌های سایر مکان‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. از این رو، تسهیل در روند تجارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده که در این راستا یکی از اقدامات صورت گرفته دیجیتالی شدن فرایندهای گمرکی است. در این گزارش به اهمیت دیجیتالی شدن فرایندهای گمرکی، مدل بلوغ گمرک دیجیتال، سیستم‌های متفاوت مورد استفاده کشورها، وضعیت ایران در تبادل دیجیتال داده‌های گمرکی و اثر دیجیتالی‌سازی فرایندهای گمرکی در بهبود شاخص‌های تجاری پرداخته می‌شود.





اهمیت دیجیتالی شدن فرایندهای گمرکی

بشر همواره در طول تاریخ به دنبال یافتن راهکارهایی برای تسهیل روند و افزایش سرعت مبادلات بازرگانی و تجاری بوده است. در همین راستا، ادارات گمرک چندین دهه است که در حال بررسی دیجیتالی شدن فرایندهای گمرکی هستند. امروزه، تقریباً همه گمرکات، از یک نوع سیستم کامپیوتری برای فرایندهای ترخیص کالا استفاده می‌کنند. در مسیر تحول دیجیتالی شدن گمرک، همزمان با تکامل یا ظهور فناوری‌های جدید فناوری اطلاعات، استفاده از پنجره واحد تجارت فرامرزی و سیستم‌های تبادل داده‌های گمرکی از جمله راهکارهایی است که بسیاری از کشورها چه به صورت فیزیکی و چه به صورت الکترونیک در پیش گرفته‌اند. این ابزارها، ارتباطات هماهنگ را میان طرف‌های تجاری تقویت می‌کند، کشورها را قادر می‌سازند با مدرن‌سازی سیستم‌های مدیریت گمرکی، داده‌های تجاری به‌روز و مورد نیاز را تولید کنند و همچنین برای اطمینان از پایداری سیستم‌ها و مالکیت آن توسط کشورهای کاربر و همسویی مقررات تجارت داخلی با هنجارهای بین‌المللی، ظرفیت‌سازی انجام شود.

به طور کلی، تبادل داده‌ها و همکاری با اپراتورهای تجارت الکترونیکی، یکپارچه‌سازی ترخیص کالا از گمرک را به همراه خواهد داشت، لذا اطلاعات لازم برای دستیابی به اهداف مشترک در اختیار هر دو طرف قرار می‌گیرد. هنگامی که تبادل اطلاعات انجام شود، گمرک اطلاعات لازم در زمینه محموله‌ها، مانند توضیحات، ارزش و مبدا را در اختیار خواهند داشت که به آنها امکان ارزیابی بهتر ریسک را می‌دهد. استفاده از برنامه‌های تبادل داده‌های گمرکی همچنین نقش مهمی در کاهش میزان اسناد کاغذی و هزینه‌های اداری ایفا می‌کند. علاوه بر این، بهره‌برداری از این سیستم‌ها می‌تواند حجم قاچاق کالا را کاهش دهد.





مدل بلوغ گمرک دیجیتال؛ ابزاری برای تبادل داده های گمرکی

سازمان جهانی گمرک، در سال ۲۰۰۳ مدلی را به منظور پوشش الزامات امنیت زنجیره تامین تحت عنوان «بلوغ گمرک دیجیتال سازمان جهانی گمرک (WCO DM)» معرفی کرد. بر اساس این مدل، قابلیت یک سیستم فناوری اطلاعات برای تعامل با سیستم‌های دیگر چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، در یک محیط پنجره واحد رقم می‌خورد که شاخص اولیه برای ارزیابی سطح بلوغ اداره گمرک از نظر دیجیتالی شدن است. یک شرط اساسی برای ارتباط موفق بین افراد این است که همه آنها به یک زبان صحبت کنند. این مورد برای ارتباط بین سیستم‌های الکترونیکی نیز صادق است. یک زبان مشترک برای اطمینان از اینکه اطلاعات به طور یکپارچه در سیستم‌های مختلف فناوری اطلاعات جریان دارد، مورد نیاز است. در این راستا سازمان جهانی گمرک از طریق تیم پروژه‌های مدل داده (DMPT)، مدل داده (WCO DM) را توسعه داده و در حال حفظ آن است.

WCO DM مجموعه‌ای کاملاً ساختار یافته، هماهنگ، استاندارد شده و قابل استفاده مجدد از تعاریف داده‌ها^۱ و پیام‌های الکترونیکی است که برای برآورده کردن الزامات عملیاتی و قانونی آژانس‌های نظارتی فرامرزی، از جمله گمرک، که مسئول مدیریت مرز هستند، به کار می‌رود. به عنوان یک استاندارد جهانی، WCO DM به گونه‌ای سازماندهی شده که ماهیت پیچیده الزامات داده برای رویه‌های مختلف فرامرزی را می‌توان به شیوه‌ای ساده، سازگار و هماهنگ توسعه داد. در واقع WCO DM یک زبان جهانی برای فرآیندهای گمرکی است که همکاری دیجیتال بین سازمانی را در سطوح ملی و بین‌المللی تسهیل می‌کند. این مدل همچنین برای تسهیل کار فعالان اقتصادی در انجام الزامات نظارتی ایجاد شده است. مطابق ضمیمه عمومی کنوانسیون تجدیدنظر شده کیوتو^۲، گمرکات حق تعیین داده‌های مورد نیاز برای اظهارنامه گمرکی را برای خود محفوظ می‌دارند. بنابراین، هر کشوری که از WCO DM استفاده می‌کند ممکن است داده‌های متفاوتی را درخواست کند. با این حال، همه آنها باید از یک زبان مشابه استفاده کنند.

به عبارت دیگر، هر جا که استاندارد مورد استفاده قرار می‌گیرد، فعالان اقتصادی می‌توانند داده‌های مورد نیاز را به همان روش ارائه کنند. این بدان معناست که آنها مجبور نیستند روش‌های مختلفی را برای انجام الزامات به کار گیرند، لذا به طور قابل توجهی هزینه و پیچیدگی پیروی از تشریفات صادرات یا واردات را کاهش می‌یابد، زیرا اپراتورها اساساً می‌توانند از یک سیستم برای مطابقت با الزامات دولت‌های مختلف استفاده کنند.

¹ Digital Customs Maturity Model

² Data Model Projects Team

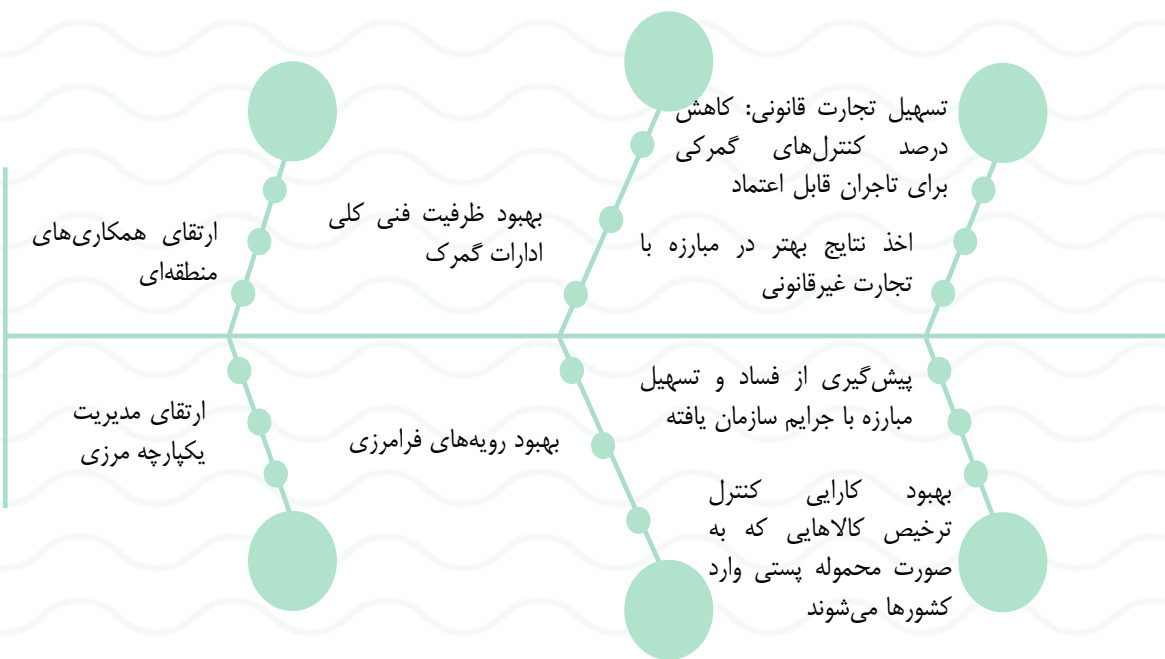
⁴ General Annex of the Revised Kyoto Convention (GA – RKC)

^۳ تجزیه و تحلیل داده‌های موجود جمع‌آوری شده توسط افراد یا موسسات دیگر برای هدف تحقیقاتی جدید.

سیستم SEED؛ ابزاری برای تبادل داده های گمرکی

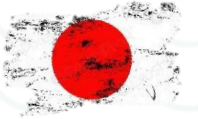


در منطقه اروپا، برخی از اعضا سیستم‌هایی را پیاده‌سازی کرده‌اند که امکان تبادل الکترونیکی اطلاعات با اپراتورهای تجارت الکترونیک را در جهان فراهم می‌کند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند با استفاده از این سیستم به راحتی به اظهارنامه‌ها و داده‌های محموله‌های قبلی در سیستم رایانه‌ای اپراتور اقتصادی دسترسی داشته باشند. برای مثال، کشورهای منطقه بالکان غربی تحت عنوان سیستم تبادل الکترونیکی سیستماتیک داده‌ها (SEED) در بین ادارات گمرکات به تبادل داده‌های گمرکی می‌پردازند. هدف از این پروژه حمایت از گمرکات ذینفعان در تلاش آنها برای پیاده‌سازی سیستم SEED برای تبادل اطلاعات قبل از ورود است. با اجرای SEED، ادارات گمرک عضو باید ظرفیت اداری خود را در زمینه فناوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل ریسک، افزایش درآمد و پیشگیری یا مبارزه با تجارت غیرقانونی و در عین حال بهبود همکاری‌های منطقه‌ای افزایش دهند. در صورتی که تجزیه و تحلیل داده‌ها به درستی انجام شود می‌تواند مزایای روبرو را برای کشورهای می‌کنند داشته باشد:





سیستم NACCS؛ ابزاری برای تبادل داده های گمرکی



ژاپن به منظور ایجاد زمینه مناسب برای انجام تجارت بدون کاغذ، در سال ۱۹۷۸ سیستمی به نام ناکس ۵ را طراحی و معرفی کرد که بعدها به شکل سیستم پنجره واحد تکامل یافت. درحقیقت، پنجره واحد الکترونیک برای فرایندهای تجاری در ژاپن به وسیله ناکس و مبتنی بر قانون ویژه فرایندهای صادرات و واردات از طریق «سیستم پردازش الکترونیک داده‌ها» توسعه پیدا کرد که دارای دو بخش هوایی و دریایی بود. ویژگی اصلی سیستم ناکس این بود که فرایندهای اداری را به انجام می‌رساند و برای مدیریت حمل و نقل محموله‌ها و ارتباط میان کاربران سیستم، داده‌خوان‌های مرکزی را به وجود می‌آورد. انتقال از سیستم ناکس به سیستم پنجره واحد به صورت مرحله‌ای طی شد. در مرحله نخست که خدمات تک‌مرحله‌ای نامیده شد، رایانه‌ای کردن همه فرایندهای اداری مربوط در سال ۱۹۹۷ محقق شد. پس از تکمیل رایانه‌ای شدن، تلاش‌ها بر ایجاد رابط بین سیستم‌ها برای همکاری‌های داخلی و بین‌المللی تمرکز پیدا کرد.

¹ Nippon Automated Cargo And Port Consolidated System (NACCS)



سیستم ASYCUDA؛ ابزاری برای تبادل داده های گمرکی

ASYCUDA



سیستم خودکار داده‌های گمرکی (ASYCUDA) یک سیستم کامپیوتری مدیریت گمرک است که اکثر رویه‌های تجارت خارجی را پوشش می‌دهد. این برنامه فهرست بارها و اظهارنامه‌های گمرکی را به همراه رویه‌های حسابداری و ترانزیت رسیدگی می‌کند. این برنامه همچنین می‌تواند برای تجزیه و تحلیل اقتصادی آماری، داده‌های تجاری را تولید کند. برنامه سیستم خودکار داده‌های گمرکی توسط آنکتاد توسعه یافته است.

ASYCUDA از کدها و استانداردهای بین‌المللی توسعه یافته توسط سازمان بین‌المللی استاندارد، سازمان جهانی گمرک و سازمان ملل متحد استفاده می‌کند. این برنامه همچنین قابلیت تطبیق با ویژگی‌ها، تعرفه‌ها و قوانین ملی هر کشور را نیز دارد. شایان ذکر است، در حال حاضر سیستم‌های ASYCUDA در ۱۰۲ کشور و منطقه در حال اجرا یا پیاده‌سازی هستند. نکته قابل توجه در خصوص این برنامه رایگان بودن آن بوده که کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه بتوانند سیستم‌های گمرک خود را از حالت کاغذی خارج و در ادامه بتوانند برای تسهیل در روند تجارت، به تبادل داده‌های گمرکی با سایر کشورها بپردازند. در ادامه، وضعیت کشورهای بنگلادش، اردن، سوریه و ترکمنستان که از سیستم ASYCUDA به طور موفق استفاده کردند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معاونت بررسی‌های اقتصادی



• تسریع روند ترخیص کالاهای گمرکی برای واردات در سال ۲۰۲۱: ۸۲ درصد اظهارنامه ها ظرف ۳ روز ارزیابی و ۷۳ درصد وظایف مربوط به اظهارنامه‌ها و مالیات‌ها در عرض ۳ روز پرداخت شدند.

- دسترسی ایمن به سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان
- کاهش دخالت انسان
- ردیابی کامل کالاهای انتقال یافته از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر
- تولید کامل، دقیق و به موقع داده‌های تجارت
- افزایش مستمر درآمد سالیانه: طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۱، درآمد متوسط سالیانه ۱۱ درصد افزایش یافته است.
- تجارت بین‌المللی تسهیل و تشویق شده: بیش از ۲۵ هزار فهرست کل بارها در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با بیش از ۱۴ هزار در سال ۲۰۱۷، همچنین پردازش بیش از ۳.۹ میلیون اظهارنامه در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با بیش از ۳.۲ میلیون در سال ۲۰۱۷

سیستم ASYCUDA / تجربه بنگلادش

برقراری ارتباط گمرک و PGAها

بنگلادش



وضعیت

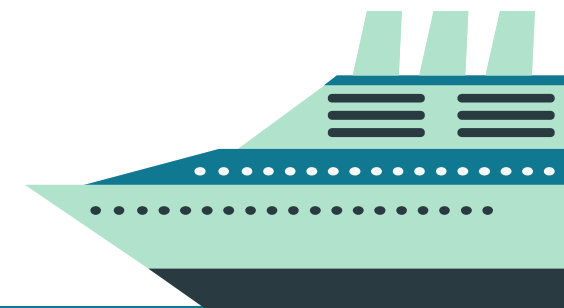


راه‌حل

ایجاد تبادل امن داده بین سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان و:

- بانک‌ها به منظور ارائه اطلاعاتی مانند پرداخت مالیات، مجوز صادرات و اعتبار اسنادی
- سامانه مدیریت مالیاتی جهت اطلاع رسانی وصول مالیات
- سیستم مدیریت ترمینال کانتینری، به منظور راهنمایی مقامات بندری برای زمان آزادسازی کانتینرها
- معامله‌گرانی که از طریق پیامک/ایمیل در جریان فرآیند اظهارنامه قرار گرفتند

از سال ۲۰۱۶، هیئت ملی درآمد بنگلادش، PGAها را در سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان ادغام کرده تا تبادل اطلاعات با سیستم‌های خارجی را بهبود بخشد و کارایی فرآیند ترخیص کالا را افزایش دهد.



سیستم ASYCUDA / تجربه بنگلادش



بنگلادش

برقراری ارتباط
گمرک و PGAها

اظهارنامه های ارسال شده از طریق سیستم خودکار داده های گمرکی جهان در کمتر از ۳ روز پردازش شدند

۸۲٪

کووید-۱۹

حجم فعالیت (۲۰۲۱) - تعداد

۲۵,۸۱۲ فهرست کل بارهای گمرکی

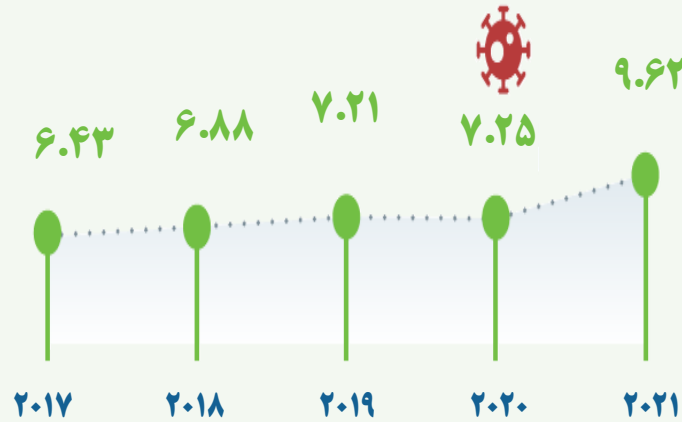
۲,۳۴۹,۲۲۶ بارنامه گمرکی

۱,۸۷۷,۵۶۷ اظهارنامه واردات

۲,۰۴۴,۷۲۶ اظهارنامه صادرات

۱,۳۸۷,۳۵۹ تعداد کانتینرهای معادل ۲۰ فوت در بنادر دریایی

سیر تکاملی در آمد سالیانه
گمرک
(میلیارد دلار)



تعداد کل گمرکات



۳۱ کامپیوتری

۱۵ مبتنی بر کاغذ



افراد آموزش دیده

صادرات (۲۰۲۱)

۴۰.۸

میلیارد دلار

واردات (۲۰۲۱)

۸۴.۷

میلیارد دلار

معاونت بررسی های اقتصادی



سیستم ASYCUDA / تجربه اردن



پایداری سیستم و مالکیت

اردن



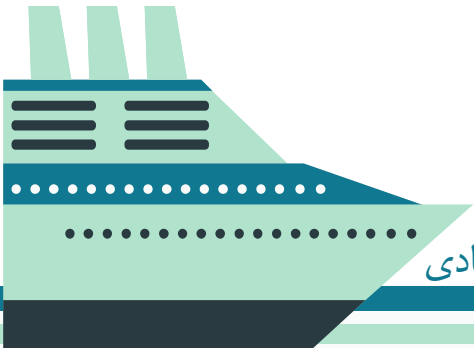
اردن توانسته سیستم خودکار داده‌های گمرکی خود را حفظ و توسعه دهد و از طریق این سیستم، به پوشش نیازهای خود و تسهیل تجارت بین‌المللی ادامه دهد.

تعدادی از اعضای تیم ملی سیستم خودکار داده‌های گمرکی اردن، با تکیه بر تجربه به دست آمده در سیستم ملی، توانستند با موفقیت برای موقعیت‌هایی به عنوان کارشناسان بین‌المللی آنکتاد درخواست دهند.

- گمرک اردن تصمیم گرفت که یک تیم ملی قوی بسازد تا نسخه سفارشی سیستم خودکار داده‌های گمرکی خود را حفظ و توسعه دهد. این انتخاب به این معنی بود که آنها دیگر برای عملکرد خوب سیستم فناوری اطلاعات گمرک خود، به بودجه خارجی وابسته نیستند. در پایان پروژه آنکتاد، یک تیم ملی کاملاً آموزش دیده برای مدیریت کامل سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان در اردن مجهز شد. اردن، مانند سایر کشورهای کاربر سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان، این سیستم را برای کشور خود ملی‌سازی کرده است. بنابراین، گمرک اردن می‌تواند سیستم را به بهترین نحوی که صلاح می‌داند، اجرا و تغییر دهد.

از سال ۱۹۹۷، اردن چندین نسخه مختلف از نرم افزار مدیریت گمرک سیستم خودکار داده‌های گمرکی را اجرا کرده است. انتشار موفقیت آمیز آخرین نسخه سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان، در مارس ۲۰۱۰ تکمیل شد و پروژه مربوط به کمک فنی آسی‌کودا مرتبط با آن در سال ۲۰۱۵ به پایان رسید. از آنجایی که نصب سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان با بودجه دولتی اردن امکان‌پذیر نبود، برای مدت محدودی از طریق تامین‌کنندگان بین‌المللی تامین شد.

معاونت بررسی‌های اقتصادی

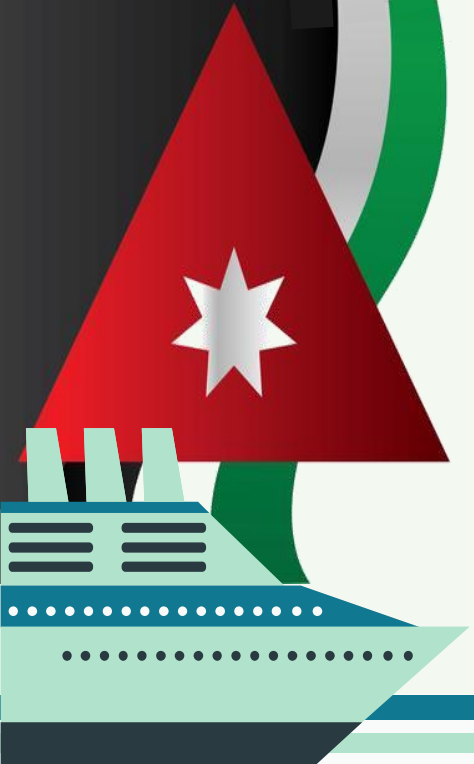




سیستم /ASYCUDA / تجربه اردن

اردن

پایداری سیستم و مالکیت



- حجم فعالیت (۲۰۲۱)
- ۸۰۴,۰۰۲ اظهارنامه های گمرکی
- ۱۹۸,۳۲۰ اظهارنامه های ترانزیت
- ۳۵۰,۶۶۰ تعداد کامیون های ورودی به کشور در سال ۲۰۲۱

معاونت بررسی های اقتصادی



سیستم ASYCUDA / تجربه سوریه



تاب‌آوری عملیاتی

سوریه



نتیجه



راه‌حل



وضعیت

گمرک سوریه از سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان، برای پردازش رویه‌های تجارت خارجی و نظارت بر عملیات در گذرگاه‌های مرزی که اغلب دسترسی به آنها از طریق جاده بسیار دشوار بود، استفاده کرده است. این سیستم با حمایت مداوم از گمرک، حتی در شرایط چالش برانگیز، تاب‌آوری و انعطاف نشان داده است.

• پروژه سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان بر ایجاد زیرساختی تاب‌آور و مالکیت خود کشورها بر سیستم خودکار داده‌های گمرکی متمرکز شد:

- سخت‌افزاری توسط کارشناسان برنامه انتخاب شد تا چندین سال دوام بیاورد
- اجرای امکانات پشتیبان‌گیری برای اطمینان از ایمن بودن سیستم
- سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان به خرید، تعمیر و نگهداری نرم‌افزار اضافی نیاز ندارد و ارتقا غیرضروری است.
- پیاده‌سازی سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان و آموزش‌های مرتبط با آن، برای اطمینان از مالکیت گمرک سوریه و کارکنان آن بر سیستم طراحی شده است. بنابراین، کارکنان هر کشور برای راه‌اندازی سیستم بدون نیاز به تخصص خارجی به طور کامل آموزش دیده‌اند.

در سال ۲۰۱۹، به دنبال لغو محدودیت‌های سفر به سوریه برای کارکنان سازمان ملل، گمرک و کارشناسان سوریه، سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان را به آخرین نسخه ارتقا دادند.

از سال ۲۰۱۱، به دلیل بحران سیاسی به وجود آمده در سوریه، کارکنان بین‌المللی آنکتاد قادر به ارائه کمک‌های فنی در محل، به گمرک سوریه، با نصب، بهبود و نگهداری آخرین بروزرسانی‌های سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان نبوده‌اند. علاوه بر این، محاصره اقتصادی، تهیه سخت‌افزار و نرم‌افزار جدید را از طریق تامین‌کنندگان بین‌المللی برای دولت سوریه دشوار کرد.

معاونت بررسی‌های اقتصادی

سیستم ASYCUDA / تجربه سوریه

سوریه

تاب‌آوری عملیاتی



۹۸٪

واردات و صادرات از پایان سال ۲۰۱۰ از طریق سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان پردازش شده است.

۲۸ کامپیوتری



تعداد کل گمرکات



۰ مبتنی بر کاغذ



افراد آموزش دیده



۱۲۵ مرد



۷۵ زن

حجم فعالیت (۲۰۲۱)

۷۴۳



فهرست کل بارهای گمرکی

۳۱,۳۲۰



بارنامه گمرکی

۳۶,۸۸۰



اظهارنامه واردات

۴۰,۹۹۲



اظهارنامه صادرات

۱۲,۷۱۲



اظهارنامه ترانزیت

صادرات (۲۰۲۱)

۹۰۰

میلیون دلار

واردات (۲۰۲۱)

۵.۶۰۰

میلیون دلار



معاونت بررسی‌های اقتصادی



سیستم ASYCUDA / تجربه ترکمنستان



در تمامی ۵۲ گمرک ترکمنستان موارد زیر اجرا شده است:

- اتوماسیون ترانزیت در کریدورهای ملی و منطقه‌ای
 - تبادل اطلاعات تجارت با افغانستان
 - محیط انعطاف‌پذیر برای پیکربندی و تولید گزارش‌های کسب‌وکار
 - بهبود گزارش‌دهی از آمار تجارت
 - ارائه خدمات چند زبانه (به زبان انگلیسی و ترکمنی)
- پس از موفقیت اجرای سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهانی، دولت ترکمنستان درخواست ساخت یک پنجره واحد الکترونیکی مبتنی بر سیستم خودکار داده‌های گمرکی، شامل ۱۶ آژانس دولتی مشارکتی را درخواست کرد.

معاونت بررسی‌های اقتصادی

از نوسازی گمرک تا
ساخت یک پنجره واحد



خدمات گمرکی دولتی ترکمنستان و برنامه آسی‌کودا (سیستم خودکار داده‌های گمرکی)، یک پروژه همکاری فنی را برای بهبود ظرفیت عملیاتی گمرک، تسهیل تجارت، تقویت ظرفیت کشور برای ترانزیت و تضمین رشد اقتصادی، از طریق خروج از سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهانی اجرا کردند.

ترکمنستان



از سال ۲۰۱۹، خدمات گمرکی دولتی ترکمنستان (SCS) به دنبال نوسازی رویه‌های گمرکی؛ تسهیل در اظهارنامه الکترونیکی کالا؛ معرفی تعرفه گمرکی یکپارچه؛ بهبود نظارت و کنترل عملیات ترانزیتی؛ پیاده‌سازی یک سیستم مدیریت ریسک مدرن مطابق با استانداردهای بین‌المللی و بهترین شیوه‌ها و ادغام آژانس‌های دولتی مشارکتی دخیل در فرآیند ترخیص گمرکی، بود.

سیستم ASYCUDA / تجربه ترکمنستان

ترکمنستان



از نوسازی گمرک تا ساخت یک پنجره واحد

کاهش ۱۴ برابری

زمان ترخیص کالا به دنبال اجرای سیستم خودکار داده‌های گمرکی جهان

۵۲ کامپیوتری



۰ مبتنی بر کاغذ



حجم فعالیت (۲۰۲۱)

۶۵,۰۰۰



اظهاریانه واردات

۵۰,۰۰۰



اظهاریانه صادرات

۳۵۰,۰۰۰



اظهاریانه ترانزیت

+۱۷۰۰



افراد آموزش دیده



صادرات (۲۰۲۱)

۷.۸

میلیارد دلار

واردات (۲۰۲۱)

۴.۱

میلیارد دلار





سامانه جامع امور گمرکی / ابزاری برای تبادل داده های گمرکی

ایران طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ از سیستم خودکار داده‌های گمرکی (ASYCUDA) استفاده کرده که طی مدت مذکور باعث پیشرفت در نظام گمرکی کشور شده است. پس از آن به دلیل متفاوت بودن شرایط گمرکی ایران و همچنین عدم وجود زیرساخت کافی برای پیاده‌سازی ASYCUDAWorld، تهیه سامانه جامع امور گمرکی کشور به دانشگاه تهران واگذار شد که از سال ۱۳۹۱ تاکنون این سیستم به جای سیستم ASYCUDA در نظام گمرکی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حال حاضر مقدمات تبادل داده‌های گمرکی با ۸ کشور محیا شده، که ۲ کشور (ترکیه و آذربایجان) از تعداد مذکور در مرحله آزمایش قرار دارند. شایان ذکر است در حال حاضر به طور رسمی تبادل داده‌های گمرکی با هیچ کشوری صورت نمی‌گیرد. طبق مذاکرات صورت گرفته با گمرک جمهوری اسلامی ایران، سامانه جامع امور گمرکی کشور، سامانه‌ای پیشرفته بوده که توانایی تبادل داده‌های گمرکی با کلیه کشورهای جهان را دارد.



اثر دیجیتالی سازی فرایندهای گمرکی در بهبود شاخص های تجاری

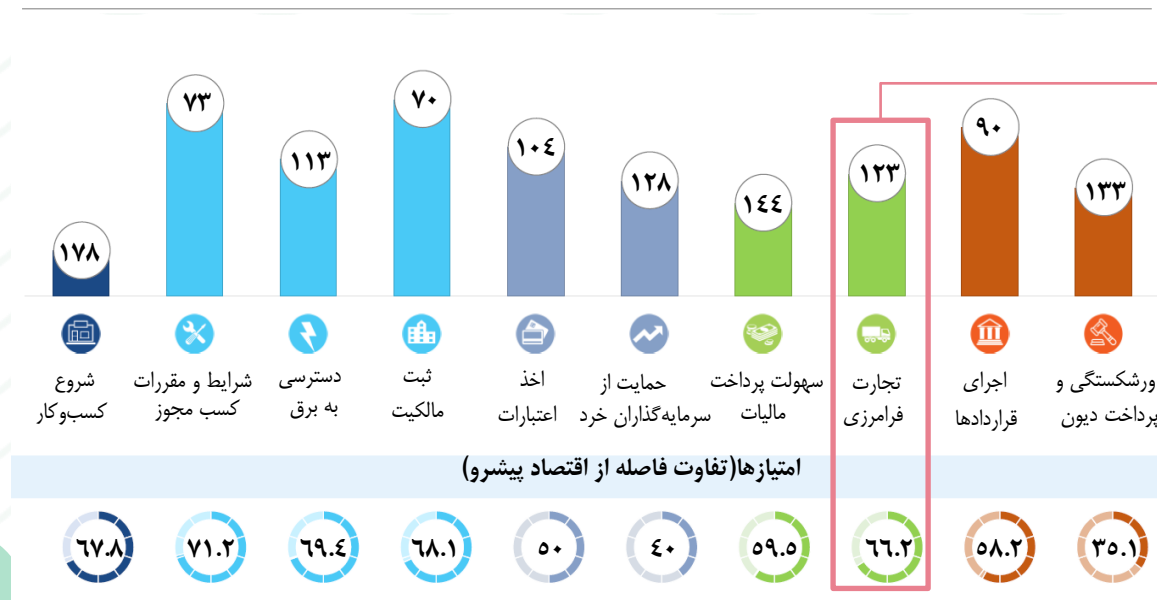
دیجیتالی سازی فرایندهای گمرکی از ابعاد گوناگونی، تجارت کشورها را تحت تاثیر قرار می دهد. یکی از شاخص هایی که تاثیر این اقدام را طی سال های قبل، به وضوح نشان داده، شاخص تجارت فرامرزی است. این شاخص که تا سال ۲۰۲۰، به طور مستمر هر ساله توسط بانک جهانی محاسبه شده، کشورهای جهان را بر اساس اقداماتی که در راستای تسهیل تجارت (به واسطه کاهش زمان و هزینه های مرتبط با انطباق اسنادی، انطباق مرزی و حمل و نقل داخلی) انجام داده اند، رتبه بندی کرده است. مطابق با اطلاعات منتشر شده در آخرین گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی، بسیاری از اقتصادها، با استفاده از برنامه های الکترونیک تبادل داده های گمرکی و یا ایجاد پنجره واحد الکترونیک، زمان انجام فرایندهای گمرکی و انطباق اسنادی و مرزی را کاهش داده اند که در نهایت منجر به بهبود امتیاز این کشورها در شاخص تجارت فرامرزی شده است. از جمله کشورهای موفق در زمینه اجرای سیستم های تبادل داده های گمرکی می توان به کشورهای افغانستان، گرانادا و جامائیکا در سال ۲۰۱۶ و آنگولا و لسوتو در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد. شایان ذکر است این کشورها از سیستم ASYCUDAWorld استفاده کرده اند. جدول زیر، کشورهایی را نشان می دهد که در راستای سهولت تجارت، اقدام به ایجاد و ارتقا پنجره واحد طی سال های اخیر نموده اند و اقدام آنها نیز در نهایت، منجر به تسهیل تجارت شده است.

کشور	سال	اقدام
بحرین	۲۰۱۹	کاهش زمان مورد نیاز برای واردات از طریق ارتقای سیستم پنجره واحد فرامرزی
چین	۲۰۱۹	کاهش زمان و هزینه صادرات و واردات با اجرای پنجره واحد از طریق حذف هزینه های اداری، افزایش شفافیت و تشویق رقابت
جمهوری کنگو	۲۰۱۹	کاهش زمان مورد نیاز برای واردات از طریق اجرای سیستم پنجره واحد تجارت ملی
رواندا	۲۰۱۴	سهولت در انجام تجارت از طریق اجرای سیستم الکترونیکی پنجره واحد در مرزها
عربستان سعودی	۲۰۲۰	سرّیع تر کردن امکان بازرسی های مبتنی بر ریسک و راه اندازی، واردات و صادرات از طریق تقویت پنجره واحد تجارت الکترونیکی، ارتقای زیرساخت ها در بندر جده از طریق پلت فرم آنلاین برای صدور گواهینامه کالاهای وارداتی
ترکیه	۲۰۱۹	کاهش زمان و هزینه صادرات و واردات از طریق اقدامات خلاقانه گوناگون از جمله گسترش عملکرد پنجره واحد تجارت ملی، تقویت سیستم مدیریت ریسک و کاهش هزینه های کارگزاران گمرکی
اوگاندا	۲۰۱۹	کاهش زمان مورد نیاز برای صادرات و واردات با اجرای بیشتر قلمرو گمرکی واحد و همچنین با توسعه پنجره واحد الکترونیکی و مرکز پردازش اسناد متمرکز

اثر دیجیتالی سازی فرایندهای گمرکی در بهبود شاخص های تجاری

شاخص سهولت انجام کسب و کار		جمهوری اسلامی ایران	
رتبه	امتیاز	منطقه	خاورمیانه و شمال آفریقا
۱۲۷	۵۸.۵	طبقه بندی درآمد	متوسط - بالا
		جمعیت	۸۲ میلیون نفر
		شهر مبنا	تهران

نتایج آخرین گزارش سهولت کسب و کار منتشر شده در سال ۲۰۲۰ همچنین برای ایران نشان می دهد در زیرشاخص تجارت فرامرزی، امتیاز کشور ۶۶.۲ بوده که آن را در جایگاه ۱۲۳ در میان ۱۹۰ کشور مورد بررسی قرار می دهد. علی رغم اقدامات مفیدی که در زمینه توسعه و بهبود خدمات صادرات و واردات از طریق پنجره واحد ملی شامل بهبود فرآیند بارگذاری اسناد صادرات و واردات و همچنین بهبود فرایند بازرسی و اداری برای صادرات و واردات در سال ۲۰۱۹ انجام شده، امتیاز ایران در زیرشاخص تجارت فرامرزی در سال ۲۰۲۰ بدون تغییر باقی مانده و از لحاظ رتبه ای با ۲ پله سقوط همراه بوده است. بررسی مولفه های این زیرشاخص نشان می دهد طی یک سال، اجرایی شدن این اقدامات، نتوانسته منجر به بهبود زمان و هزینه های مربوط به صادرات و واردات برای ایران شود.



امتیاز	زمان صادرات	امتیاز	زمان واردات
۸۳.۷	انطباق اسنادی	۸۱.۱	انطباق اسنادی
۴۹.۸	انطباق مرزها	۳۷.۱	انطباق مرزها
	هزینه صادرات		هزینه واردات
۸۷.۱	انطباق اسنادی	۸۵	انطباق اسنادی
۴۵	انطباق مرزها	۶۰.۸	انطباق مرزها

اقدامات	سال
کاهش زمان صادرات و واردات از طریق نصب و راه اندازی اسکندر در بنادر شهید رجایی و سازماندهی مجدد دفاتر گمرکی برای جداسازی بازرسی کالاهای خاص (پتروشیمی و شیمیایی) از کالاهای عمومی	۲۰۰۹
توسعه و بهبود خدمات صادرات و واردات از طریق پنجره واحد ملی	۲۰۱۶
توسعه و بهبود خدمات صادرات و واردات از طریق پنجره واحد ملی شامل بهبود فرآیند بارگذاری اسناد صادرات و واردات و همچنین بهبود فرایند بازرسی و اداری برای صادرات و واردات که در نهایت موجب کاهش زمان و هزینه انطباق اسنادی شده است.	۲۰۱۹

نتیجه‌گیری

تسهیل در امر تجارت فرامرزی امری ضروری بوده که می‌تواند از طریق پیاده‌سازی سامانه پنجره واحد الکترونیک تجارت فرامرزی محقق شود. این سامانه با هدف افزایش کارایی و اثربخشی فرآیندهای تجاری، می‌تواند افزایش رضایتمندی بازرگانان و سایر ذینفعان، حداقل‌سازی هزینه، کاهش اسناد تجاری و تسریع در انجام عملیات و رویه‌های مربوط به صادرات، واردات و ترانزیت و نیز حذف اسناد کاغذی غیرضروری را در پی داشته باشد.

با وجود اینکه سامانه جامع امور گمرکی کار خود را از سال ۱۳۹۱ آغاز کرده، تاکنون نتوانسته کارایی لازم را برای تبادل داده‌های گمرکی به صورت رسمی با سایر کشورها داشته باشد. سوالی که در اینجا می‌تواند مطرح شود این است که آیا دلیل این امر محرمانه بودن اطلاعات تجارت ایران با سایر کشورها به دلیل مبادلات غیر رسمی بوده و یا به واقع این سیستم برخلاف ادعاهای صورت گرفته کارایی لازم جهت تبادل داده‌های گمرکی با سایر کشورها را ندارد.

- ASYCUDA Compendium 2022 digital connectivity for inclusive trade, United Nations, 2022.
- How digital connectivity facilitates inclusive global trade, UNCTAD, SEPTEMBER 22, 2022.
- What is eCustoms and what are the benefits?, EU4Digital, European Union, APRIL 24, 2020.
- EU SEED (Systematic Electronic Exchange of Data), Cross-Border Paperless Trade Data Base, United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
- Standards Toolkit for Cross-border Paperless Trade, ICC, 2022.
- WCO Study Report on Cross-Border E-Commerce, World Customs Organization, MARCH, 2017.
- Making digital collaboration possible: the WCO Data Model – latest developments and implementation guidance, WCO, 2022.
- Customs Data Exchange: UNCTAD ASYCUDA Experience, UNCTAD, JUNE 20, 2016.
- Doing Business 2020, World Bank
- Doing Business 2019, World Bank
- Doing Business 2018, World Bank
- قورچیان، نادرقلی و کرباسیان، مسعود. بررسی نظام مدیریت سازمان گمرک‌های جهان در قرن بیست و یکم به منظور ارائه مدل مناسب در کشور. پژوهشنامه اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۳۸۶.
- مغربی، وحید و اخوان، قنادی. مطالعه تطبیقی پنجره واحد تجارت فرامرزی و تاثیر آن بر تسهیل تجارت و پیشگیری از قاچاق کالا (مطالعه موردی چند کشور منتخب). فصلنامه اقتصاد پنهان، دوره: ۴، شماره: ۱۷. ۱۳۹۸.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران